



حضرت محسن عليه السلام

اولین و کوچک ترین شهید آل طه علیہ السلام

بشیر سراجے

حسن رضا

اولین و کوچک ترین
شہید آل طہ

■ بشیر سراجے

الهدى الى مستخرجي

سراجی، بشیر،
حضرت محسن علیه السلام اولین و کوچکترین شهید آل طه علیهم السلام
بشیر سراجی
تهران: رایہ الہدی، ۱۳۹۳
۸۰ ص.
ISBN : ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۶-۰۳۶-۶
فیبا
کتابنامہ : ص [۶۹] - ۷۷: همچنین به صورت زیرنویس.
محسن بن علی، ۱۱ ق.
محسن بن علی، ۱۱ ق - احادیث.
علی بن ابی طالب علیہ السلام امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - خطبہ ہا
خطبہ الغدیرہ.
۱۳۹۳، ۶۴ ج ۴ س / ۸۳ / ۳۷ BP
۲۹۷ / ۹۸۴
۳۸۷۱۵۴۴



حضرت محسن علیہ السلام

اولین و کوچکترین شهید آل طه علیہم السلام

مولف: بشیر سراجی

انتشارات: رایہ الہدی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: طہ

نوبت چاپ: سوم ۱۳۹۵

صفحه آرائی: زیبا کتاب

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۶-۰۳۶-۶

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

تلفن مرکز پخش:

۰۹۱۲۶۵۱۴۳۲۹ - ۰۹۱۲۲۵۳۴۹۶۷



تقديم به مادرمان زهرا
دخت نبی اکرم
همسر امیر المؤمنین
(صلوات الله عليهم اجمعين)

■ در این کتاب می خوانید:

- حضرت محسن علیه السلام هویتی کتمان شده
- تولد حضرت محسن علیه السلام، تولدی تلخ
- شهادت اولین و کوچک ترین شهید آل رسول صلی الله علیه و آله
- شاهدان فاجعه ای بزرگ تر از عاشورا
- اخبار شهادت محسن مظلوم علیه السلام قبل از واقعه دردناک
- آن چه بعد از حادثه غم بار به ما رسیده
- محل دفن پاره تن دخت نبی صلی الله علیه و آله

پیش‌گفتار:

محسن!! چه واژه‌ی زیبایی است. به راستی با شنیدن و دیدن این نام به یاد چه می‌افتید؟ محسن نام ذات احدیت و حقیقت صفات باری تعالی است، محسن سرچشمه‌ی تمام خوبی‌های عالم است، محسن منشأ آفرینش هستی است، محسن فاعل‌ترین فاعلان دنیا و عقبی است، فاعلی که فعلی جز خیر از او نیست و در حقیقت جز خیر در او نیست. محسن است که با یک اشاره او، سلولی جان می‌گیرد و در مقابل به فرمان او در لحظه‌ای ممات می‌یابد. حیات و وفات کوچک‌ترین ذره‌های هستی، تا بزرگ‌ترین پدیده‌ها، از اتم‌ها و ریز مولکول‌ها گرفته تا کهکشان‌ها و کرات و سیارات، همه با یک نفس مسیح آفرینش صورت می‌پذیرند، و همین نفس است که آدم و حوا و مسیحانفس از دم آن پدیدار می‌شوند. و محسن نام اعظم خداوند منان، روح جاودانه و روح دمیده شده در خلاق است. محسن است که رسول و مرتضی و زهرا علیهم‌السلام را خالق و روح دمیده در شقایق است و روح اوست که خالق یاس و غنچه‌اش و آسمان و زمین و کل عالم در دقایق است. این که گفته شد آسمان و زمین در شش روز آفریده شد، ظاهری از حقایق است. گفتی غنچه یاس! او کیست؟ پرپر شده‌ای از گلبرگ‌های سیده النساء عالم است. او هم محسن است که نام

او همچون نام ذات اقدس خالق و اشرف الانبیاء حضرت خاتم صلی الله علیه و آله است. نام محسن، یادآور فاطمه صدیقه علیها السلام، روضه ها، گلایه ها و شکوه های آن بزرگوار علیه السلام است.

بخوان دل نوشته ی مرا و راست گو به یاد چه افتاده ای؟ نکند به یاد گریه و ضجه های یا ابتاه، یا ابتاه و این که، فضا به دادم برس حضرت زهرا علیها السلام فتاده ای؟ گوش کن بغض دل مرا و گریه کن که این نجوای عاشقانه تو را لایق است. با شنیدن نام محسن اول چیز که به ذهنم می رسد، سیلی و گوشواره و درب و کوچه و تازیانه است و هم چنین یادگار دیرین روضه های کودکی است. یادم نمی رود مادرم، فاطمیه ها مرا می برد به تکیه ها که نذر خود به محسن زهرا علیها السلام ادا کند و این بغض دل من، انگار از مادرم رسیده است. فدای مادرم شوم که او نیز ناله و ماتمش از مادرمان زهرا علیها السلام رسیده است. عشق مادر خونی ام و حب مادر دینی ام مرا واداشت تا راز زخم کهنه آشکار کنم و پرده های ظلمت را تار و مار، و آن چه در نهانکده تاریخ است برملا کنم. لذا قلم را دواندم که بتازد و پته ی فتنه ی تازیان را تا حد توان بر آب کند. این کتاب خلاصه و نمونه ای از کتاب سترگ و بزرگ از شخصیت حضرت محسن بن علی علیه السلام است که به صورت ایجاز و مختصر نگاشته شده است.

حضرت محسن علیه السلام مهک ولایت پذیری افراد به حساب می آید چرا که پذیرش شهادت آن حضرت یعنی اعلام برائت از بانیان سقیفه و کسانی که موجبات احراق بیت وحی را فراهم نمودند.

مقدمه:

لازم است و بایستی با جرأت اعتراف کنم که تا قبل از این، از سر احساس و چیزهایی که از آموزه‌های مادرم و روضه‌ها و چند کتاب کوچک دریافته بودم، دلم به دنبال حضرت محسن علیه السلام بود، ولی اکنون زمان ادراک حق به معنای حقیقی و اثبات صحیح آن است که باید با بررسی عقلانی به آن رسید. و دیگر دلیل بنده برای پژوهش در این زمینه، دوستان سنی مذهب علی‌الخصوص شافعی مذهبیم هستند که اگر به این نتیجه برسند که بنده با تمام وجود اسناد این اعتقاد شیعیان را، که روزگاری تسنن و تشیع در کتاب‌های خود به آن معترف بودند، بررسی کرده و آن‌چه از تفکر عقلی و برداشت‌های بی‌طرفانه حاصل شده رونمایی نموده و در اختیار آن‌ها قرار داده‌ام، امید است که بپذیرند و اگر نپذیرفتند در جواب بنده پژوهشی عقلانی انجام دهند و مرا از آن‌چه که فکر می‌کنند نیافته‌ام آگاه سازند. و بنده در این پژوهش خود حدود ۱۰۰ منبع از تسنن و تشیع، مانند: تاریخ طبری، عقد الفرید، شرح نهج البلاغه، کتاب سلیم، الملل والنحل، الاختصاص، الارشاد، کنز العمال، مروج الذهب



و بسیاری از کتب را مورد بررسی قرار داده و هریک از کتاب‌هایی که ذره‌ای از حضرت محسن علیه السلام سخن به میان آورده بود را مورد استفاده قرار داده‌ام و در ذکر تاریخ وفات نویسندگان کتاب‌ها و آوردن روایات مورد نظر کوتاهی ننموده‌ام. فقط در بعضی مواقع چه به علت تکرار یا عدم نیاز به کل روایت، روایت را کوتاه نموده و قسمتی را که نیاز بود استفاده کرده‌ام. ان شاء الله که مفید واقع گردد و محسن زهرا علیهما السلام بهانه‌ای شود تا همه جهانیان به حقیقت نوری اهل بیت علیهم السلام دست یابند و با بصیرتی فاطمی امام زمان خود، صاحب العصر والزمان مهدی موعود علیه السلام را بشناسند تا رستگار شوند و به مرگ جاهلیت از دنیا نروند.^۱

در پایان از استاد محترم جناب آقای دکتر علیرضا روحی و همچنین دست‌اندرکاران کتابخانه‌های آستان قدس رضوی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام گوه‌رشاد و دانشگاه علوم اسلامی رضوی علیه السلام کمال تشکر و قدردانی را به عمل می‌آورم.

بشیر سراجی

بهار یک هزار و سیصد و نود و یک

۱. مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. مسند ابوداود سلیمان بن داود طیالسی از عبدالله ابن عمر. مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶ - صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۰۷ - معجم الکبیر طبرانی، ج ۱۰، ص ۳۵۰ حدیث ۱۰۶۸۷ و

حضرت محسن علیه السلام هویتی کتمان شده

گفته شد هویت، برای اینکه یک وجودی به نام محسن بلاشک بوده و هویتی را دارا بوده است و گفتم کتمان شده، چون موجودی که باشد و روح خدا در او دمیده شده باشد، هرچند جسم نابود گردد، روح به طور حتم بقا خواهد داشت، چون روح، از عالم والاست و با فناء جسم هرگز از بین نمی رود. اما چرایی لفظ کتمان به دلیل این بود که یک معنا و وجود، که شک در وجود آن نداریم را نمی توان انکار کرد و فقط می توان به دلایلی چه غرض شخصی و چه فرقه ای و هزاران غرض و بهانه ی دیگر آن را کتمان کرد و در پس پرده نگه داشت. یکی از حقایق و ماجراهایی که در طول تاریخ چنین بوده و بسیار غمناک نیز هست، شهادت محسن بن علی علیه السلام است که بسیاری از مغرضان و متعصبین به علت جهل بسیط و یا جهل مرکب، آن را کتمان و در صدد انکار آن برآمدند. هرچند شواهدی که در نوشته های مورخین و در کلام متکلمین و علمای زمان های پیشین آمده، انکار و حتی فرض انکار این امر را در کتب اهل سنت و ... غیر ممکن کرده است.



محسن فرزند سید الاوصیاء و سیده النساء علیهم السلام

پدر بزرگوار حضرت محسن، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، پیشوا و سرور یکتاپرستان است همان که کمالاتش بی شمار بوده و انبیاء با گستره‌ی معرفتشان اندکی از مقاماتش را شناخته‌اند، بشری به درجات او نرسید، و کسی او را شناخت مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله پایان بخش رسالت پیام‌آوران وحی.^۱ و به راستی تمام پیامبران و اوصیاء هر عزت و افتخاری که دارند با تمسک به ولایت علی علیه السلام به دست آورده‌اند و اولیاء و دوستان حق با محبت او، به منعم یکتا، خداوند متعال، تقرب می‌جویند.

اما مادر بزرگوارش سرور بانوان جهان، دخت اشرف مخلوقات، سید البشر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن که ملقب شد به ام ابیها، فاطمه علیها السلام است. باعث افتخار همسر و فرزندان، حوریه‌ای به شکل انسان، «ریحانه‌اش» خوانند در آسمان «زهرا» گویندش در زمین همو که مادر امامان برگزیده صلوات الله علیهم است. همان که اگر نبود خداوند عز و جل چیزی را خلق نمی‌فرمود. حقیقت شب قدر و صاحب سر مستودع نور و درخشش عوالم بالا، چراغ تاریک خانه دنیای خاکی، جگرگوشه‌ی برترین مردم و همان سرآمد اولیاء، ام المحسن فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد.^۲

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله: یا علی لا یعرف الله تعالی الا انا و انت ولا یعرفنی الا الله و انت ولا یعرفک الا الله و انا. محمدتقی مجلسی، روضه المتقین، ج ۱۳، ص ۲۷۳.
۲. فاطمی، مهدی، غنچه یاس، مشهد، مهدی فاطمی، ۱۳۸۶.



نمی شود که فرزند علی و فاطمه علیهما السلام باشد و نامی از او در قلم فرسایی تاریخ نویسان و کاتبان ادوار مختلف نباشد.

طبری از بزرگان امامیه در قرن چهارم در کتاب دلائل الامامه و نوادر المعجزات، ابن شهر آشوب و نسابه عمری که در مناقب آل ابیطالب علیهم السلام آمده است، شیخ مفید در الارشاد، علامه مجلسی در بحار الانوار، ابو عبد الله بن منده اصفهانی در کتاب المعرفه، شیخ عباس قمی در منتهی الآمال، ابن حجر عسقلانی، شمس الدین محمد بن طولون دمشقی، محمد بن حبان بن احمد ابی حاتم تیمی، ابن اثیر، محب طبری، شمس الدین محمد ذهبی، محیی الدین نووی، ابن کثیر، اشحریمنی، قلقشندی، محمد بن رسول برزنجی، محمد بن شحنه، خوارزمی، ابن قتیبه و... نام محسن علیه السلام را از فرزندان فاطمه علیهما السلام برشمردند.

طبری با ذکر سندی از محمد بن عمار بن یاسر روایت می کند که: «... و حملت بالحسن علیه السلام فلما رزفته حملت بعد اربعین یوماً بالحسین علیه السلام ثم رزفت زینب و ام کلثوم علیهما السلام و حملت به محسن علیه السلام». ^۱

«حضرت فاطمه علیهما السلام حسن علیه السلام را حامله شدند وقتی او به دنیا آمد چهل روز بعد حسین علیه السلام را حامله شدند و بعد از حسین علیه السلام خداوند زینب علیهما السلام را به ایشان روزی فرمود و سپسم ام کلثوم علیهما السلام را و بعد از آن محسن علیه السلام را حامله شدند».

و همچنین در جای دیگر اشاره می کند که: «فاطمه علیهما السلام برای



علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را به دنیا آورده و بعد محسن علیه السلام را حامله شدند.^۱

و ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ) نیز روایت کرده است: «انها ولدت الحسن علیه السلام ولها اثنا عشره سنه و اولادها: الحسن و الحسين و المحسن علیه السلام سقط.»

«فاطمه علیه السلام در سن دوازده سالگی حسن علیه السلام را به دنیا آورد. فرزندان فاطمه، حسن و حسین و محسن علیه السلام که سقط شد هستند.»^۲ نسابه عمری نیز روایتی دارد که ابن شهر آشوب آن را از نسابه نقل می‌کند:

«أنه وُلد من فاطمه الحسن و الحسين و المحسن علیه السلام سقط ...»

«حسن، حسین و محسن علیه السلام که سقط شد»^۳

در کتاب مصائب حضرت زهرا علیه السلام ذکر شده که: ابن شهر آشوب در ذکر اولاد فاطمه علیه السلام این روایات را از المعارف نقل کرده است، ولی در چاپ‌های امروز المعارف ابن قتیبه بعد از ذکر حسن و حسین علیه السلام و ... به جای همانا محسن علیه السلام ... آمده: لکن محسن بن علی علیه السلام در سن کودکی از دنیا رفت.^۴

۱. طبری، محب الدین احمد بن عبدالله شافعی ذخائر العقبی، قاهره، مکتب القدسی، ۱۳۵۶ هـ ص ۵۵.

۲. ابن شهر آشوب، ابوجعفر رشیدالدین، مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، نجف اشرف، مکتب حیدریه، ۱۳۵۶ هـ ج ۳، ص ۳۰۴؛ بدخشانی حارثی، حافظ بن محمد، نزل الابرار، تهران، بی تا، ۱۴۰۳ هـ ص ۱۳۴.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۸۹.

۴. صفی زاده، فاروق، مصائب حضرت فاطمه علیه السلام، تهران، پازینه، ۱۳۸۹، ص ۳۱۵.

ابن اثیر از ابن عباس چنین روایت می‌کند:
 «فاطمه علیها السلام کانت تحت علی علیه السلام و ولدت له حسناً و حسیناً و محسناً و زینب علیها السلام».

«فاطمه همسر علی علیه السلام و برای علی، حسن و حسین و محسن و زینب علیها السلام را به دنیا آورد».^۱

سبط جوزی (م ۶۵۴) نیز در کتاب تذکره الخواص خود محسن علیه السلام را به فاطمه علیها السلام منتسب می‌کند.^۲

سید بن طاووس (م ۶۶۴) در نقل زیارت‌نامه‌ای از حضرت زهرا علیها السلام آورده است:

«... و صل علی البتول الطاهره... المقتول ولدها بنت رسول الله صلی الله علیه و آله...».
 «و درود فرست بر بانوی پاکیزه ... که فرزندش کشته شد، فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله».^۳

شمس الدین محمد ذهبی (م ۷۴۸) به نقل از ابن عبدالله می‌گوید:

«دخل بما بعد وقعه احد، فولدت له الحسن والحسين ومحسناً وام كلثوم وزینب علیها السلام».

علی علیه السلام بعد از جنگ احد با فاطمه علیها السلام ازدواج کرد و او برای

۱. جامع الاصول من احادیث الرسول صلی الله علیه و آله، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱۲، ص ۹.

۲. ابن جوزی، یوسف بن خزعلی، تذکره الخواص، نجف اشرف، مکتب حیدریه، ۱۳۸۳ هـ، ص ۲۱۲.

۳. ابن طاووس، ابوالقاسم، الاقبال الاعمال، تهران، دارالکتب علمیه، بی تا، ص ۱۰۰.



علی، حسن و حسین و محسن و ام کلثوم و زینب علیهم السلام را به دنیا آورد.^۱

ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲) از ابن عباس روایت می کند:
«هی سیده نساء العالمین تزوجها علی علیه السلام ... ولدت له الحسن و
الحسین و المحسن و زینب و رقیه و ام کلثوم علیهم السلام».

«او فاطمه علیها السلام سرور بانوان تمام جهانیان است. پس برای علی علیه السلام
حسن، حسین و محسن، زینب، رقیه و ام کلثوم علیهم السلام را به دنیا آورد».^۲
علامه مجلسی نیز در بحارالانوار می گوید: «أن علیاً تزویج
فاطمه علیها السلام بالمدينة بعد سنة من الهجرة نبی بما بعد ذلك بنحو من سنة
ولدت لعلی علیه السلام : الحسن و الحسین و المحسن علیهم السلام».^۳

شیخ عباس قمی می گوید: «بذكر المسعودی فی مروج الذهب و ابن
قتیبه فی المعارف و نورالدین العباس الموسوی الشامی فی أزهار البستان
الناظرین: أن محسناً علیه السلام یعد فی اولاد امیرالمومنین علیه السلام».

«مسعودی در کتاب مروج الذهب و ابن قتیبہ در المعارف
و نورالدین عباس موسوی شامی در کتاب ازهار بستان ناظرین

۱. ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلا، تحقیق: شعیب ارنوط، بیروت، موسسه
الرساله، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲. کحلانی، محمد بن اسماعیل، سبل السلام، قاهره، شرکه مکتبه و طبعه مصطفى
البابی الحلبي و اولاد، بمصر، ۱۳۷۹ هـ ج ۳، ص ۱۴۹.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۱۳؛
بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة، بیروت، دارالکتب، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۶۲؛ نمازی،
علی، مستدرک سفینه البحار، محقق: حسن بن علی نمازی، قم، جامعه مدرّسین،
۱۴۱۹ هـ ج ۸، ص ۲۵۵.

آورده اند: محسن علیه السلام از فرزندان امیرالمومنین علی علیه السلام است.^۱
و در مسند فاطمه علیها السلام آمده است: «حملت بالحسن علیه السلام ... و حملت بمحسن علیه السلام ...»^۲ که تأکیدی است بر آن چه پیشینیان ذکر کرده و مکتوب نموده اند.

اثبات این که محسن علیه السلام فرزند علی علیه السلام است در تورات

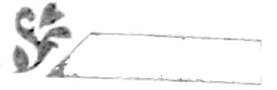
ابن شهر آشوب روایتی را از قول ابی بکر شیرازی نقل می کند: «کان فی التوراة یا موسی، انی اخترتک و اخترت کل وزیراً هواخوک لأبیک و امّک - یعنی هارون - کما اخترت لمحمد صلی الله علیه و آله إلیا علیه السلام هواخوه و وزیره و وصیه و الخلیفه من بعده، طوبی کلما من أخوین و طوبی لهما من أخوین. إلیا ابوالسبطین الحسن و الحسین و محسن علیه السلام الثالث من ولده کما جعلت لأخیک هارون شبراً، شبیراً و مشبراً».

«در تورات آمده است: ای موسی! من تو را برگزیدم و هارون برادر پدر و مادری ات را به عنوان وزیرت اختیار کردم و هم چنان برای محمد صلی الله علیه و آله إلیا علیه السلام را اختیار کردم و او برادر، وزیر، وصی و خلیفه ی بعد از اوست، خوشا به حال شما دو برادر و خوشا به حال آن دو برادر ایاء علیه السلام پدر دو فرزندی است که حسن و حسین علیه السلام نام دارند و محسن علیه السلام سومی آن ها می باشد همچنان که برای پدرت هارون شبر، شبیر و مشبر را قرار دادم».^۳

۱. قمی، عباس، منتهی الامال، قم، وحدت بخشی، تابستان ۸۶، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. عطاردی، عزیزالله، مسند فاطمه علیها السلام، تهران، عطارد، ۱۴۱۲ هـ، ص ۲۹۱.

۳. ابن شهر آشوب، ابوجعفر، مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، نجف اشرف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۵۶ هـ، ج ۱، ص ۵۴۹؛ قمی، ابوالحسن، تفسیر قمی، بیروت، بی نا، ۱۳۸۷ هـ، ج ۱، ص ۱۲۸.



اثبات وجود محسن علیه السلام در آثار و کلام تسنن

بسیاری از اهل سنت حضرت محسن علیه السلام را از اولاد امیرالمؤمنین علی و فاطمه علیهم السلام دانسته اند. اینک به اسامی تعدادی از آن ها اشاره می کنم:

- ۱- محمد بن اسحاق (۱۵۱هـ) در کتاب «السير والمغازی» ۲-
- محمد بن سعد (۲۳۱هـ) در «الطبقات الکبری» ۳- احمد بن حنبل (۲۴۱هـ) در «المسند» ۴- محمد بن اسماعیل بخاری (۲۵۶هـ) در «الآداب المفرد» ۵- ابن قتیبه (۲۷۶هـ) در «المعارف» ۶- بلاذری (۲۷۹هـ) در «الانساب الاشراف» ۷- ابن حیان بستی (۳۵۶هـ) در کتاب های «الثقات» و «السيره النبویه» و «اخبار الخلفاء» ۸- طبرانی (۳۶۰هـ) در «المعجم الکبیر» ۹- دارقطنی (۳۸۵هـ) بنابر نقل متقی هندی در کتاب «کنز العمال» ۱۰- حاکم نیشابوری (۴۰۵هـ) در «المستدرک علی الصحیحین» ۱۱- محمد بن سلامه قضاعی (۴۵۴هـ) در «الأبنا بآبناء الأنبياء» ۱۲- بیهقی (۴۵۸هـ) در «دلائل النبوة» ۱۳- ابن ما کولا (۴۷۵هـ) بنابر نقل «الاکمال» ۱۴- حافظ بن منده (۵۱۲هـ) بنابر نقل خوارزمی در «مقتل الحسین علیه السلام» ۱۵- اخطب خوارزم (۵۶۸هـ) در کتاب «مقتل الحسین علیه السلام» ۱۶- ابن عساکر (۵۷۱هـ) در «ترجمه امام حسین علیه السلام» ۱۷- ابن اثیر (۶۳۰هـ) در «اسد الغابه» ۱۸- حسام الدین محلی (۶۵۲هـ) در «الحدائق الوردیه» ۱۹- نووی (۶۷۶هـ) در «تهذیب الاسماء واللغات» ۲۰- ظهراالدین بن کازرونی (۶۷۹هـ) در «مختصر التاریخ» ۲۱- ذهبی (۷۴۸هـ) در «المشتبه» و «سیر اعلام النبلاء» ۲۲- خطیب تبریزی (۷۴۱هـ) در «الاکمال فی اسماء



الرجال» ۲۳- ابن منظور افریقی (۷۱۱هـ) در «لسان العرب» ۲۴- ابن کثیر (۷۷۴هـ) در «السيرة النبوية» ۲۵- نورالدین هیثمی (۸۰۷هـ) در «مجمع الزوائد» ۲۶- ابن شحنة (۸۱۷هـ) در «روضة المناظر» ۲۷- فیروزآبادی (۸۱۷هـ) در «قاموس المحيط» ۲۸- قلقشندی (۸۲۱هـ) در «مآخر الانافة» ۲۹- ابن حجر عسقلانی (۸۲۱هـ) در «تبصیر المتنبه» ۳۰- ابن طولون دمشقی (۹۵۳هـ) در «الائمة الاثنا عشر علیهم السلام» ۳۱- مناوی (۱۰۳۱هـ) در «اتحاف السائل» ۳۲- حلبی (۱۰۴۴هـ) در «السيرة الحلبیه» ۳۳- مرتضی زبیدی (۱۰۲۵هـ) در «تاج العروس» ۳۴- یوسف بن اسماعیل نبهانی (۱۳۵۰هـ) در «الشرف المؤبد آل محمد علیهم السلام» ۳۵- حسین محمد یوسف در کتاب «سید شباب اهل الجنة»^۱.
عمر ابوالنصر نیز می گوید: مسعودی، یعقوبی، ابوالفداء و دیگران بروجود حضرت محسن علیه السلام تاکید کرده و آن را ثابت می کنند.^۲ و این گفته ابوالنصر نشان دهنده این است که حضرت محسن علیه السلام وجودی ثابت شده است.

البته در مورد وجود حضرت محسن علیه السلام نویسندگان بحث های مختلفی را مطرح نموده اند. نویسندگان و مورخانی که ذکر گردید عده ای حضرت محسن علیه السلام را وجودی دانسته اند که به دنیا آمده و در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بوده است و بعد فوت کرده، و عده ای نیز گفته اند که ایشان در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله فوت کرده است. خلاصه

۱. رضوانی، علی اصغر، محسن بن علی علیه السلام، قم، دلیل ما، ۱۳۸۹، ص ۴۳-۴۱.

۲. ابوالنصر، عمر، فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله، بیروت، مکتب ابوالنصر، بی تا، ص ۹۴-۹۳.



نظرات در این باره مختلف و جای بحث فراوان دارد، ولی بحث در خصوص اثبات وجود اوست. عده‌ای او را به عنوان سقط شده یاد کرده‌اند و عده‌ای او را به عنوان برادر حسین علیه السلام عنوان کرده‌اند. و اینجاست که لازم است روایتی را از کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲ هـ) نقل کنم که می‌گوید: «اقوال مردم در مورد تعداد اولاد علی علیه السلام از پسر و دختر مختلف است. برخی زیاد شمرده‌اند تا حدی که در بین آن‌ها سقط شده را نیز آورده‌اند و قومی بیشتر از این گفته و محسن سقط شده علیه السلام را به عنوان برادر حسن و حسین علیه السلام آورده‌اند».^۱

اثبات وجود حضرت محسن علیه السلام در کلام و روایات شیعه

وجود حضرت محسن علیه السلام قرن‌هاست که بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام بر زبان جاری است و تمام مورخان و نویسندگان صاحب نظران در این باب، نظریه وجود حضرت محسن علیه السلام داده‌اند و وجود ایشان را اثبات نموده و در کتب خود نام حضرت را آورده‌اند. و روایاتی که به دست ما رسیده نیز گواه بر این امر غیر قابل انکار است و در این جا، یک روایت از امام باقر علیه السلام عرض می‌نمایم که به نظر بنده، ختم کلام شیعه و اثبات وجود حضرت محسن علیه السلام را می‌توان از این روایت برداشت نمود.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «ابتدا زهرا علیها السلام به حسن علیه السلام آبستن شد چون او را به دنیا آورد پس از چهل روز به حسین علیه السلام آبستن شد پس

۱. شافعی، کمال الدین، مطالب السئول فی مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، بی‌جا، بی‌نا، ص ۶۲.

زینب و ام کلثوم علیهما السلام را به دنیا آورد سپس به محسن علیه السلام آبستن شد.^۱

طریقه‌ی نام‌گذاری غنچه پرپر شده یاس

کلینی که سندش در کتاب «کافی»^۲ و شیخ صدوق «الخصال» و «علل الشرایع»^۳ و مجلسی در «بحار الانوار»^۴ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ماجرای سقط شدن حضرت محسن علیه السلام را نقل کرده و از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «اولاد خود را قبل از تولد نام‌گذاری کنید و اگر نمی‌دانید که پسر است یا دختر آنان را به نام‌هایی که برای پسر و دختر است نام نهد؛ زیرا فرزند سقط شده، شما را در روز قیامت ملاقات می‌کند، در حالی که برایشان نام ننهاده‌اید، مولد سقط شده به پدرش می‌گوید: چرا برای من نام ننهادی و حال آن‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله محسن علیه السلام را نام‌گذاری کرد قبل از آن‌که متولد شود».^۵

شیخ مفید (۴۱۳ هـ) می‌گوید: «إن فاطمه علیها السلام أسقطت بعد النبی صلی الله علیه و آله ذکراً کل سماه رسول الله محسناً علیه السلام و هو احمِل». «فاطمه علیها السلام پسری را بعد

۱. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، نجف اشرف، مکتب الحیدریه، ۱۳۸۳ هـ ص ۲۶-۲۷؛ بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، قم، موسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۳۶۳ هـ ج ۱۱، ص ۵۰۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب السلامی، ۱۳۷۸ هـ ج ۶، ص ۱۸.
۳. صدوق، ابوجعفر، خصال، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۳ هـ ج ۲، ص ۴۳۴؛ همو، علل الشرایع، نجف اشرف، حیدریه، ۱۳۸۶ هـ ج ۲، ص ۴۶۴.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۹۵.
۵. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۴۱۱؛ شبر، سید عبدالله، جلاء العیون، نجف اشرف، حیدریه، ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۲۱۲.



از پیامبر صلی الله علیه و آله سقط کرد. وقتی فاطمه علیها السلام او را حامله بود پیامبر صلی الله علیه و آله نامش را محسن علیه السلام گذاشت.^۱

محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸ هـ) از علمای اهل سنت نقل می کند: «پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام فرزند پسری را سقط نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله نام او را محسن علیه السلام نهاده بود» و در ادامه می گوید: «این مطلب نزد هیچ کدام از اهل نقل و حدیث یافت نشد مگر ابن قتیبه».^۲

در بخش های پیشین در مورد تحریف کتاب المعارف ابن قتیبه سخن به میان آوردم و حال با توجه به این که گنجی شافعی متوفی ۶۵۸ هجری می باشد؛ یعنی قرن هفتم، از سخن او در مورد ابن قتیبه معلوم می شود که تا قرن هفت در کتاب المعارف موضوع سقط شدن حضرت محسن علیه السلام بعد از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشته و بعد از آن تحریف صورت گرفته است.

حسن بن مطهر حلی (۷۲۶ هـ) می گوید: «... رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی محسن علیه السلام در شکم فاطمه علیها السلام حمل می شد نام او را محسن گذارد».^۳ سید تاج الدین احمد حسینی عاملی (قرن ۱۱) نیز در کتاب خود التتمه فی تواریخ الائمه علیهم السلام ذکر می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله نام حضرت محسن علیه السلام را نهاده است.^۴

۱. مفید، محمد ابوعبدالله، الارشاد، بیروت، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۶ هـ، ص ۱۸۷.

۲. لباف، علی، دانش نامه حضرت زهرا علیها السلام، تهران، منیر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵.

۳. حلی، حسن بن مطهر، مستجاء عن کتاب الارشاد، قم، بصیرتی، بی تا، ص ۱۴۰.

۴. حسینی عاملی، سید تاج الدین، التتمه فی تواریخ الائمه علیهم السلام، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۲ هـ، ص ۳۵.

تولد حضرت محسن علیه السلام، تولدی تلخ

همان طور که قبلاً اشاره شد عده‌ای گفته‌اند که حضرت محسن علیه السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمده و مرده و عده‌ای نیز گفته‌اند که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مرده به دنیا آمده است.

ابن شهر آشوب در این باره می‌گوید: «عناد دشمن، گروهی از مردمان پست را وا داشته که بگویند: ... محسن علیه السلام را فاطمه علیها السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله سقط کرد».^۱

جعفر مرتضی عاملی نیز در این باره نظری داده که در کتاب رنج‌های زهرا علیها السلام آن را آورده است و چنین فرموده: عده‌ای مطرح کرده‌اند که محسن علیه السلام به دنیا آمده، ولی در کودکی مرده است، ولی این طور نیست و این راه حلی ساختگی برای عده‌ای است که این ماجرا آن‌ها را در تنگ‌نا قرار داده، لذا کوشیده‌اند که از اساس، وجود محسن علیه السلام را انکار کنند که در کودکی مرده است.^۲

۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۱۶.

۲. عاملی، جعفر مرتضی، رنج‌های زهرا علیها السلام، ترجمه: محمد سپهری، قم، تهذیب، ج ۲، بهار ۸۱، ص ۶۳۳.



بلکه شاهد مثال فرموده استاد گران قدر جعفر مرتضی عاملی را می توان در چاپ جدید المعارف مشاهده کرد و آن ها می پندارند که واقعیت را می توان از تاریخ حذف نمود، ولی باور درونی ما می گوید که حق همیشه آشکار و مبین است.

زبیدی (۱۲۰۵) می گوید: «المحسن به تشدید سین، اکثر امامیه معتقدند که او حملی بوده که فاطمه زهرا علیها السلام شش ماهه او را سقط کرده است و این واقعه بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق افتاده است»^۱. قاضی نعمان مغربی (۳۶۳) در ضمن شعری چنین می سراید: «فضربوها بینهم فأسقطت ...» که معنای آن چنین است: پس او را در بین خود زدند و در نتیجه سقط جنین کرد.

أسقط یعنی قبل از آن که جنین در رحم زن باردار کامل شود آن را به صورت مرده فرو انداخته و به دنیا آورد. در اصل لغت، این نکته وجود دارد که این لغت نزد عرب برخلاف کاربرد فارسی آن برای اشاره به مرگ جنین در رحم مادر به کار نمی رفته، لذا واژه سقط دقیقاً به معنای به دنیا آوردن جنین مرده توسط مادر است. بر این اساس باید گفت به دلیل شدت لطمات جسمانی، دو حادثه شهادت حضرت محسن علیه السلام و سقط، هم زمان و پی در پی رخ داده است^۲ و این دو حادثه را می توان تولدی تلخ برای حضرت محسن علیه السلام تلقی کرد.

۱. زبیدی، محمد بن مرتضی، تاج العروس فی جواهر القاموس، قاهره الخیرییهف ۱۳۰۶ هـ، ص ۱۲۷.

۲. لباف، علی، مصائب فاطمی علیها السلام، تهران، منیر، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴.

شهادت اولین و کوچک‌ترین شهید آل رسول ﷺ

حضرت محسن علیه السلام اولین شهید خاندان عترت علیهم السلام است و اولین کسی بود که برای حمایت از حریم ولایت به مقام رفیع شهادت نائل آمد. و حضرت محسن علیه السلام علاوه بر این که اولین شهید بعد از شهادت حضرت رسول و خاندان او علیهم السلام است کوچک‌ترین شهید این خاندان نیز محسوب می‌شود.

طریقه‌ی شهادت

ماجرای این قرار است که وقتی عده‌ای به دستور ابوبکر آمدند تا از امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیعت بگیرند، عمر شمشیر خود را با غلاف برآورد و بر پهلوی فاطمه علیها السلام زد ... و قنفذ پیش تاخت و با تازیانه‌اش چنان به حضرت زد که مانند بازوبند علامتی بر بازوی مبارکش پدید آمد ... قنفذ به حکم عمر در خانه را بر شکم آن حضرت چنان فشار داد که استخوان‌های پهلوی در هم شکست و آن جنین که در شکم داشت و پیغمبر صلی الله علیه و آله او را محسن نام گذاشت سقط شد. و به روایتی ابن خطاب به اتفاق مغیره بن شعبه در را بر شکم فاطمه علیها السلام فشردند



و فرزندش را شهید کردند.^۱

کفعمی در المصباح چنین بیان می کند: فاطمه علیها السلام را بین در فشردند چنان که محسن علیه السلام را سقط کرد.^۲

علامه حلی نیز می گوید: فاطمه علیها السلام کتک خورد و جنینش به نام محسن علیه السلام سقط گشت.^۳

شاید این جا سؤال مطرح شود که چرا محسن سقط شده را شهید به حساب می آوریم؟ در جواب می توان گفت که: اگر فرض بر این باشد که حضرت بر اثر هیچ عامل خارجی سقط نشده اند باز هم طبق روایات اسلامی شهید محسوب می شود چون در روایات داریم که مادر اگر هنگام زایمان بمیرد شهید محسوب می گردد^۴ هرچند برای حضرت زهرا و حضرت محسن علیهما السلام می توان مورد دوم را نیز به حساب آورد؛ زیرا هر دو به واسطه یک عامل از دنیا رفته اند، پس هر دو شهیدند. دلیل دیگری که در جواب می توان آورد این است که حضرت بر اثر عامل خارجی سقط شده اند؛ یعنی عده ای حضرت زهرا علیها السلام را دچار آزار و اذیت جسمی و روحی قرار دادند و به همین علت حضرت محسن علیه السلام سقط شد، و طبق ماجرای سقط کردن زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله که اسود حضرت زینب علیها السلام را ترسانید و حضرت

۱. سپهر، میرزا محمد تقی، ناسخ التواریخ، تهران، اساطیر، ۱۳۸۹، ص ۷۷-۷۶.

۲. عاملی کفعمی، تقی الدین، المصباح، قم، رضی، بی تا، ص ۵۵۳.

۳. حلی، حسن بن مطهر، کشف المراد، تحقیق: حسن حسن زاده آملی، قم، نشر جامعه مدرسین اسلامی، ۱۴۳۳ هـ ص ۵۱۱.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

زینب علیها السلام بچه اش سقط شد پیامبر صلی الله علیه و آله فرزند زینب را شهید پنداشت و خون اسود را نیز حلال اعلام نمود.^۱

ابن ابی الحدید از نقیب ابی جعفر نقل می کند: «... بر اثر ماجرای زینب، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله بود بدون شک خون کسانی که فاطمه علیها السلام را ترسانده تا بچه از شکمش افتد مباح می کرد. و در ادامه ابن ابی الحدید خواست اسامی کسانی را که فاطمه علیها السلام را ترسانده بودند از وی نقل کند، ولی او گفت نه ...».^۲

مکان شهادت مظلومانه

خانه وحی، محل شهادت حضرت محسن علیه السلام بود. و در این باره می توان به روایت امام حسن عسکری علیه السلام استناد کرد که حضرت از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می کنند: حُرْفُ الْقُرْآنِ وَأُحْرَقَ بَيْتُ الْوَحْيِ ... قرآن را تحریف کردند و خانه وحی را آتش کشیدند.^۳

محل شهادت محسن علیه السلام کنار در خانه علی و فاطمه علیهما السلام بود. در خانه ای که آن در، به سوی مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله باز می شد. همان دری که پیامبر صلی الله علیه و آله مدت زیادی در مقابل آن می ایستاد و بدون اجازه داخل نمی شد و در کنار همان در، آیه تطهیر را می خواند

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، مترجم: فاروق صفی زاده، بیروت، دارالکتب علمیة، ۱۴۱۸ هـ ج ۱۴، ص ۱۹۲.

۲. همان، ص ۱۹۲.

۳. فاطمی، مهدی، غنچه یاس، ص ۲۳۳.



و سلام و درود به اهل بیت علیهم السلام می فرستاد.^۱ آن در، در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و دختر او فاطمه علیها السلام و وصی او علی علیه السلام یعنی همان دری که محل نزول وحی و فرشتگان الهی بود و شهادت حضرت محسن علیه السلام از آتش زدن در خانه خدا و هتک حرمت خانه خدا بزرگ تر است.^۲ همان طوری که گفته شد خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام یک درش به سوی مسجد بود^۳ و روایت: «رووا أن لفاطمه علیها السلام بیتاً و لها لی مسجد باباً» گواه این سخن می باشد و دری را که سوزاندند درون مسجد بوده است.^۴

ابن ابی الحدید روایت مهمی را بیان می کند و دلالت دارد که آن ها، در مسجد آتش افروختند و این گونه تصریح می کند که ابوبکر ناظر تمام اتفاقات بوده: «... زبیر خارج شد ... و ابوبکر بر منبر بود فریاد زد شمشیرت را بر سنگ بزن»^۵ و این دلالت دارد بر این که محل شهادت حضرت محسن علیه السلام کنار دری بوده که در مسجد بوده و

۱. حضرت رسول صلی الله علیه و آله ۶، ۷ و ۸ و یا ۹ ماه هنگام نماز پنج گانه دست های خود را به دو طرف در خانه قرار می دادند و می فرمودند: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه» به عبارتی ۱۳۵۰ بار این مطلب را مقابل درب خانه امیرالمؤمنین علی و فاطمه علیها السلام فرمودند. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۸ - مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸۵ - تفسیر طبری، ج ۲۱، ص ۶ و ۷ - شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۱-۹۲ و

۲. فاطمی، مهدی، غنچه یاس، ص ۲۰۰-۱۹۹.

۳. صدوق، ابوجعفر، علل الشرایع، ص ۷۸؛ حسین بحرانی، سید هاشم، تفسیر برهان، تهران، دارالکتب علمیه، ۳۹۳ هـ ج ۲، ص ۱۹۳؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۲.

۴. خواجه یی مازندرانی، محمد اسماعیل، طریق الرشاد، قم، دارالکتب اسلامی، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۱.

۵. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۶.

آن‌ها در مسجد را به آتش کشیدند چون اگر در مسجد نبود ابوبکر بر آن اشراف نداشت و نمی‌توانست زیر را مشاهده کند و آن‌ها بدین طریق حرمت خدا و پیامبر خدا ﷺ را در خانه‌اش و حرمت اهل بیت آن بزرگوار ﷺ را مراعات نکردند.

روز شهادت غریبانه

روز شهادت حضرت محسن علیه السلام در واقع همان روز هجوم به خانه‌ی وحی و به آتش کشیدن خانه و ضرب و شتم صدیقه کبری علیه السلام است. عده‌ای روز شهادت را روز بیعت (یوم البیعه) دانسته‌اند، ولی به نظر می‌رسد منظورشان بیعت عمومی و خصوصی با ابوبکر نباشد، بلکه فرض را بر این گذاشته که روز بیعت حضرت امیر علیه السلام در آن روز است و یا روزی که خواستند به زور از امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیعت بگیرند. شهرستانی (۵۴۸ هـ) از نظام (۲۳۱ هـ) نقل می‌کند: «إن عمر ضرب بطن فاطمه علیه السلام یوم البیعه حتی ألفت الحنین من بطنها» «عمر در روز بیعت با عبادۀ، بر پهلوی فاطمه علیه السلام چنان ضربه‌ای زد که باعث شد فرزندش کشته شود».^۱

روز شهادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله روز دوشنبه ۲۸ صفر سال ۱۱

۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، تحقیق: محمد سید گیلانی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۴ هـ ج ۱، ص ۷۵۷؛ صفری، صلاح الدین، الوافی بالوفیات، تحقیق: احمد لازناووط - ترکی، مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ هـ ج ۶، ص ۱۷۱؛ قمی، عباس، بیت الاحزان، قم، دارالحکمه، ۱۴۱۲، ص ۱۲۴.

۲. فاطمی، مهدی، غنچه یاس، ص ۴۳۲.



هجری قمری است که بعد از ظهر همان روز عده‌ای در سقیفه نزد سعد بن عبادہ گرد آمدند و سرانجام با ابوبکر به طور خصوصی بیعت شد.^۱ روز بعد، سه شنبه، روز بیعت عمومی با ابوبکر در مسجد بود.^۲ و در شب این روز که در دل شب چهارشنبه باشد پیامبر صلی الله علیه و آله را دفن کردند.^۳ سه شب یعنی چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه مردم؛ یعنی مهاجرین و انصار رفتند و آن‌ها نیز قول دادند که با امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیعت کرده و او را یاری کنند.^۴ سه روز هم روزهای شنبه و یک‌شنبه و دوشنبه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به جمع‌آوری قرآن مشغول شد و روز سوم قرآن را به مسجد آورد.^۵ و فردای آن روز که روز سه‌شنبه بود آن مصیبت تلخ به وقوع پیوست و همگان از آن آگاهند که حضرت محسن علیه السلام شهید شد. پس از آن که پیامبر صلی الله علیه و آله در ۲۸ صفر از دنیا رفتند، یک روز بیعت خصوصی انجام شد. روز بعد بیعت عمومی، سه شب بعد از آن

۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت، دارالکتب علمیه، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۵۲؛ ابن کثیر، عمادالدین، البدایه و النهایه، بیروت، مکتب المعارف، بی تا، ج ۵، ص ۲۷۰.
۲. ابن هشام، عبدالملک، اسیره النبویه، تحقیق: طه عبدالرئوف سعد، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۰۳؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۸؛ ابن اثیر، عزالدین، الکامل، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۲۴۲.
۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۹۸۹م، ج ۳، ص ۱۴۰؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۲؛ ابن کثیر، عمادالدین، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۷۰.
۴. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، محقق: محمد باقر انصاری، قم، الهادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۷۷.
۵. همان جا.



اهل بیت علیهم السلام برای یادآوری غدیر و اخذ بیعت به خانه مردم رفتند، و سه روز نیز جمع آوری قرآن توسط حضرت امیر علی علیه السلام و یک روز هم روز هجوم به خانه وحی، یعنی ۹ روز پس از آن که شهادت رسول خدا ﷺ واقع شد، روز سه شنبه، ۷ ربیع الاول سال ۱۱ هجری قمری روز شهادت حضرت محسن علی علیه السلام است.

شاهدان فاجعه ای بزرگ‌تر از عاشورا

امام صادق علیه السلام فرمودند: و هیچ روزی مانند محنت ما در کربلا نیست، اگرچه روز سقیفه و آتش به پا کردن بر در خانه امیرالمؤمنین و حسن و حسین و فاطمه و زینب و ام کلثوم و فضه علیها السلام و کشتن محسن علیه السلام با لگد، بالاتر و سخت‌تر و تلخ‌تر است، چرا که اصل روز عذاب و سختی آن روز است.^۱

همچنین امام هادی علیه السلام در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر خم فرمودند:

«... والأمر الأعجب والخطب الأفظع بعد حجرى حقه غصب الصديقة الطاهرة الزهراء سيدة سلالتك وعتره المصطفى صلى الله عليك...»^۲

امر عجیب‌تر و پیش‌آمد جانگدازتر بعد از انکار حق تو، غصب فدک صدیقه طاهره حضرت زهرا سرور بانوان جهان علیها السلام و ردّ شهادت

۱. نوائب الدهور، ج ۳، ص ۱۵۷.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت امیر علیه السلام در روز غدیر - مزار کبیر (ابن شهدی) ص ۳۷۸ - مزار (شهید اول)، ص ۸۴.

تو و سبطین صلوات الله علیکم بوده است...».

کربلا دنباله راه سقیفه است، اگر به حریم ولایت تجاوز نمی شد دیگر کربلایی راه نمی افتاد. مهیار دیلمی شاعر قرن ۴ و کاتب حکومت شیعی آل بویه می گوید: و به راستی وقایع بعد از شهادت حضرت رسول ﷺ دست به دست هم دادند و عاشورا را رقم زدند.^۱ لذا این ایام یعنی از ۲۸ صفر شهادت حضرت خاتم الانبیاء ﷺ تا ۸ ربیع الأول شهادت امام حسن عسگری ﷺ که فجائع عظمی و دواهی کبری رخ داده و وقایعی است که خط بطلان بر تمامی مکاتب مدعی می کشد و آن هم بخاطر جدائی از غدیر شریف شکل گرفته را، فاجعه ای بزرگتر از عاشورا می دانیم.

مهاجمین به خانه عترت ﷺ

روایات به طور کلی نشان می دهد که اولی و دومی، قنفذ و خالد بن ولید و ابوعبیده جراح، مغیره بن شعبه، سالم غلام ابوحذیفه، همگی از مهاجمین به در خانه امیرالمومنین ﷺ و عاملان شهادت حضرت محسن ﷺ هستند.

در کتاب تاریخ یعقوبی (۲۵۴هـ) آمده است: ۱- عمر بن خطاب
۲- خالد بن ولید ۳- عبدالرحمن بن عوف ۴- ثابت بن قیس بن شماس
۵- زیاد بن لبید ۶- محمد بن مسلمه ۷- زید بن ثابت ۸- سلمه بن سلامه بن وقتش
۹- سلمه بن اسلم ۱۰- اسید بن حضیر از

۱. دیوان مهیار، ج ۳، ص ۵۰.



مهاجمان به خانه عترت علیهم السلام بوده‌اند.^۱

شیخ مفید (۴۱۳) گفته است: اسامی برخی از افراد که در میان یورش برندگان حضور داشتند برطبق روایت جدّ «عمرو بن ابی المقدام» که خود یکی از آنان بوده ذکر شده است. جد عمرو بن ابی المقدام می‌گوید: «عمر گفت برخیزید تا به سوی علی علیه السلام برویم. ابوبکر، عمر، عثمان، خالد بن ولید، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و سالم غلام ابی حذیفه برخاستند و من نیز با آن‌ها برخاستم».^۲ همچنین شیخ مفید در کتاب جمل آورده است که عمر همراه جماعتی از جمله مغیره بن شعبه ثقفی و سالم غلام ابوحذیفه حرکت کرد تا به خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام رسید.^۳

عمر، خالد بن ولید، قنفذ،^۴ ثابت بن قیس بن شماس، عبدالرحمان بن عوف و محمد بن مسلمه^۵ و عبدالرحمان بن ابی بکر بلاشک از مهاجمان به خانه مولا علی علیه السلام بوده‌اند.

-
۱. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۵.
 ۲. مفید، محمد ابوعبدالله، الاختصاصی، قم، انتشارات اسلامی، بی تا، ص ۱۸۱.
 ۳. همو، الجمل، نجف اشرف، مکتب الحیدریه، ۱۳۸۱ هـ، ص ۱۱۷-۱۱۸.
 ۴. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۲۵۰؛ بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ص ۴۴۱.
 ۵. جوهری، ابوبکر، السقیفه و الفدک، محقق: محمد هادی امین، تهران، نینوا الحدیثه، بی تا، ص ۴۵.
 ۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴؛ بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ص ۴۴۱؛ رحمانی همدانی، احمد، فاطمه بهجة قلب المصطفی صلی الله علیه و آله، تهران، بدر، ۱۴۱۰ هـ، ج ۲، ص ۵۳۲.



و محقق ارجمند عصر ما محمد جواد مروجی طبسی در کتاب دردانه دل داده از قول بحار از ابوالاسود نقل می کند که: اسید بن حضیر و سلمة بن سلامه بن وقتش^۱ نیز از مهاجمان به شمار می روند.

قاتلان محسن بن علی علیه السلام

وقتی گفته می شود قاتلان شاید ذهن ها به آن سو برود که مگر فلانی یا فلانی بر پهلوی حضرت زهرا علیها السلام ضربه نزده و موجب شهادت حضرت محسن علیه السلام نشده اند، پس چرا لفظ قاتلان به کار برده شده؟ در اینجا باید گفت که اولاً در این که چه کسی ضربه را به حضرت زده، نقل ها مختلف و فراوان است و دیگر این که حضرت محسن علیه السلام فقط بر اثر ضربه به شکم مبارک حضرت زهرا علیها السلام شهید نشدند، بلکه یک ضربه روحی و روانی شدید نیز بر ایشان وارد شده و علاوه بر این در قسمت لطمات جسمانی حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که عده ای حضرت را با سیلی و شلاق زده اند. و خلاصه این که ضربات جسمی و روحی فقط از طرف یک شخص و یک قاتل رخ نداده، بلکه قاتلان محسن علیه السلام چندین نفر بودند و در کلامی صحیح تر تمام آنان که به خانه حضرت هجوم آوردند قاتلان حضرت محسن علیه السلام می باشند.

در مورد شهادت حضرت محسن علیه السلام برای ضربات جسمانی وارده بر حضرت زهرا علیها السلام در کتاب سلیم آمده که علما سه دسته نظر

۱. مروجی طبسی، محمد جواد، دردانه دل داده، قم، تبلیغات اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۹، ص ۳۰۶.



داده‌اند: ۱- ضربه قنقذ ۲- ضربه عمر ۳- برخی هردو.^۱ و توضیحات بیشتر در مورد هریک، از روایاتی که ذکر خواهد شد مشخص می‌گردد. در الامامه والسیاسة ابن قتیبہ دینوری (۲۷۶هـ) آمده است که: «... عمر فاطمه (علیها السلام) بین الحائط والباب وعصره شديدة قاسية حتى اسقطت جنينا...» «عمر با قساوت فاطمه (علیها السلام) را چنان بین در و دیوار فشار داد که فرزندش سقط شد...»^۲.

حسین بن حمدان خصیبی (۳۳۴هـ) می‌گوید: «رکل عمر الباب برجله حتى اصاب بطنها وهي حامله به محسن لسته اشهر واسقاطها...» «عمر درب را با لگد بر فاطمه (علیها السلام) کوبید به حدی که به شکم او اصابت کرد و در حالی که او محسن را شش ماهه حامله بود، او را سقط کرد»^۳.

ملطی شافعی (۳۷۷هـ) می‌گوید: «وإن ابابکر مرّ به فاطمه (علیها السلام) فرفس بطنها فاسقطت...»

«ابوبکر بر فاطمه (علیها السلام) عبور کرد و با لگد بر پهلوی فاطمه (علیها السلام) زد و حضرت بچه‌اش را سقط نمود»^۴.

طبرسی (۵۸۴هـ) می‌گوید: «... فارس‌ل ابوبکر الی قنقذ لضربها:

۱. هلالی، سلیم بن قیس، سلیم، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲. ابن تیمیہ، ابو محمد عبد الله، الامامه والسیاسة، تحقیق: علی رشیدی، قم، شریف رضی، ۱۴۱۳هـ ص ۳۰؛ ابن عطیہ، مقاتل، المناظرات، تحقیق: صالح وردانی، بیروت، الغدیر، ۱۴۱۹هـ ص ۵۵؛ همو، مؤتمد علما بغداد، دارالارشاد اسلامی، ۱۴۱۵هـ ص ۱۳۷-۱۳۵.

۳. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۱، ص ۴۰۸.

۴. ملطی شافعی، ابو الحسن، التنبیہ والرد علی اهل الاهواء والبدع، تحقیق: محمد زاهد کوثری، قاهره، مکتب ازهریه للتراث، بی تا، ص ۲۵.



فالی ما الی عضادة بیتها، فدفعها فکسر ضلعاً من جنبها وألقت جنیناً من بطنها....».

«... و ابوبکر سراغ قنفذ فرستاد که فاطمه علیها السلام را بزند لذا آن بانورا به سمتی از خانه پرت کرد و استخوان دنده‌ای از پهلویش را شکست و آن بانو جنین را از شکم مبارکش فرو انداخت ...»^۱.

طبق روایات گفته شده، می‌توان دریافت که مهاجمان از جمله ابوبکر و عمرو خالد بن ولید و قنفذ و... همگی از قاتلان محسوب می‌شوند.^۲ هرچند اگر ضربه نزده باشند حداقل مثل ماجرای زینب دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، برای حضرت زهرا علیها السلام ترس و رعب ایجاد نموده‌اند. مثلاً خالد و قنفذ حداقل کاری که کردند به دستور عمر هیزم را در کنار در خانه جمع کردند و آتش به راه انداختند.^۳ و این عمل اگر احتمال کم هم داشته باشد که موجب سقط حضرت شده، باز هم آن‌ها قاتل به حساب می‌آیند، چه رسد به این که شکی در این قضیه نیست. و هرچند گمان ببریم که ابوبکر و عمر حضرت را نزده‌اند، با توجه به این که آن‌ها دستور زدن حضرت را داده‌اند در شمار قاتلان حضرت محسن علیه السلام قرار می‌گیرند.

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نجف اشرف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ هـ، ج ۱، ص ۸۳؛ همان، ص ۲۱۲.

۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، رنج‌های حضرت زهرا علیها السلام، ص ۶۱۰.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ص ۱۹۸-۱۹۷.

حسینی عاملی (قرن ۱۱)^۱ و محدث قمی (۱۳۵۹)^۲ با وجود ضربات ابوبکر و عمر، تازیانه زدن قنقد به حضرت زهرا علیها السلام را قوی ترین و اصلی ترین سبب سقط ایشان دانسته اند.

اهل خانه و یاران اندک ولی خدا علیه السلام

در این مبحث روایات مختلفی است؛ یکی این که در خانه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فقط، علی، فاطمه، حسن و حسین و دختران حضرت علیهم السلام بوده اند.^۳ و در جایی آمده، فضه^۴ هم، چون علاقه فراوان به خاندان عترت علیهم السلام داشته و به حضرت زهرا علیها السلام خدمت می کرده، پس او هم در خانه بوده است. و باز روایت داریم که شمار و جمعی از بنی هاشم در خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده اند^۵ و زیر نیز از حاضران در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام بود.

حال شاید بگویید این ها که پراز تناقض است چگونه این روایت ها این قدر با هم تفاوت دارد؟ بله شاید ظاهر این روایات با هم فرق می کند، ولی آن چه از پس پرده برایتان آشکار می گردد، شبهه

۱. حسینی عاملی، تاج الدین، التتمه فی تواریخ الاثمه، ص ۳۵.

۲. قمی، عباس، بیت الاحزان، قم، دارالحکمه، ۱۴۱۲ هـ ص ۱۶۰.

۳. شهرستانی، عبدالکریم، الملل والنحل، ج ۱، ص ۸۴؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۵، مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۷.

۴. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ص ۴۰۸؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۵؛ بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۴۳.

۵. مفید، محمد ابوعبدالله، الجمل، ص ۱۱۸-۱۱۷.

۶. همو، امالی مفید، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ ص ۴۸-۵۰.



را برطرف خواهد کرد و خواهید دید که تناقضی در کار نبوده است. در مبحث اول به نقل از نظام (۲۳۱هـ) آمده است و تصریح کرده که عمر فریاد می‌زد: «خانه‌ی زهرا علیها السلام را با ساکنانش به آتش بکشید» و در خانه غیر از علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام کسی نبود.^۷ بله نقل کاملاً درستی است و با اندکی صبر به درستی این قضیه پی خواهید برد.

در مورد فضه که بحثی نیست ذکر شده که ساکنان خانه، این اشخاص بودند ولی آن‌ها فضه را که درود و سلام خدا بر او باد از ساکنان و اهل خانه محسوب نمی‌کردند و او را کنیز خانواده می‌دانستند و به مقام والای فضه پی نبرده بودند. و در مورد حضور گروهی از بنی‌هاشم و زبیر در خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کلام یعقوبی یافت می‌شود که یعقوبی هجوم به خانه‌ی حضرت را سه بار دانسته و امکان دارد هریک از این روایات که ذکر کردیم برای یکی از این هجوم‌ها آمده باشد که با این کلام یعقوبی می‌توان بین شبهه اول که حضور فقط اهل بیت علیهم السلام در خانه و حضور بنی‌هاشم در خانه حضرت است را جمع بست و هم تناقض را برطرف کرد. و در مورد حضور فضه مدارکی وجود دارد مبنی بر این که حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «آه فضه مرا بگیر که به خدا قسم جنین داخل شکمم کشته شد».^۸

درباره نام حضور یافتگان در خانه و تحصن‌کنندگان از بنی‌هاشم

۷. عاملی، سید جعفر مرتضی، رنج‌های حضرت زهرا علیها السلام، ص ۲۴۵.

۸. همان، ص ۶۱۰.



و افراد دیگر که با ابوبکر بیعت نکردند، بعضی از مورخان از جمله یعقوبی چنین ذکر کرده‌اند: ۱- عباس بن عبدالمطلب ۲- عقبه ابن ابی لهب ۳- سلمان فارسی ۴- ابوذر غفاری ۵- عمار بن یاسر ۶- مقداد بن اسود ۷- براء بن عاذب ۸- ابی بن کعب ۹- طلحه بن عبدالله و نیز گروهی از بنی هاشم و جمعی از مهاجرین و انصار.^۱

البته به نظر می‌آید که این حضور در هجوم آخر نبوده باشد چون اگر این افراد حضور داشتند احتمال شهادت حضرت محسن علیه السلام وجود نمی‌داشت و این دلیلی است که گفته شد اهل خانه و یاران اندک ولی خدا علیه السلام.

۱. فاطمی، مهدی، غنچه یاس، ص ۲۲۳-۲۲۲.

اخبار شهادت محسن مظلوم علیه السلام قبل از واقعه دردناک

شواهدی موجود است که خداوند متعال در قرآن کریم و حتی در شب معراج حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای حضرت، موضوع شهادت حضرت محسن علیه السلام دردانه حضرت زهرا علیها السلام را ذکر کرده و حضرت را از چگونگی شهادت محسن علیه السلام که خود حضرتش نام او را گذارده بود، در نهایت مظلومیت مطلع می‌سازد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز آن چه از طرف خدا به او گفته شده را، بازگو نموده‌اند و روایات آن نیز به دست ما رسیده است. در تفسیر کلام خدا نهفته است که راویان، تفسیر آن را از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند و به راستی که مفسران واقعی قرآن ائمه اطهار علیهم السلام هستند.

مفضل می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مولاجان آیا سؤالی بپرسم؟ فرمود: بپرس. عرض کردم: مولای من! درباره‌ی فرمایش حق تعالی «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» چه می‌فرمایید: ... فرمود: ای مفضل! آیا عامه می‌گویند که آن درباره جنین از اولاد مردم است که مظلومانه کشته می‌شود؟ ... به راستی که این آیه قرآن فقط مخصوص ما بوده و آن محسن علیه السلام است، چرا که او از ماست و هر که



غیر این را بگوید تکذیبش کنید.^۱

اخبار شهادت حضرت محسن علیه السلام در معراج صلی الله علیه و آله

جعفر بن محمد قولویه قمی با سلسله سند از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می کند: «لما أُسْرِی بالنبی صلی الله علیه و آله قیل له: ... قال: اما ابتک فتظلم... وتقرّب وهی حامل.... وتطرح مافی بطنها من الضرب وتموت....». «وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله را به معراج بردند به ایشان گفته شد: اما دخترت به او ظلم می شود... و با این که باردار است کتکش می زنند... آن گاه به او و بچه ای که در شکم دارد صدمه می زنند و فرزندش را می کشند...».^۲

اخبار نبی اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون شهادت

شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) از قول نبی اکرم صلی الله علیه و آله می گوید: «و اما ابنتی... وانی لما رأيتها ذکرتُ... و کسرت جنبها و کسرت جنبها و أسقطت جنبها...» «و اما دخترم فاطمه علیها السلام... هرگاه او را می بینم به یاد می آورم... پهلویش شکسته و جنبش سقط شده است».^۳

و شیخ در حدیثی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده:

«ای علی علیه السلام تو گنجی در بهشت داری... این گنج فرزند تو

۱. فاطمی، مهدی، غنچه یاس، ص ۲۵۴-۲۵۱.

۲. ابن قولویه قمی، ابوالقاسم، کامل الزیارات، نجف اشرف، مرتضویه، ۱۳۵۶ هـ، ص ۳۳۲.

۳. لباف، علی، مصائب فاطمی علیها السلام، ص ۱۰۲-۱۰۰.

محسن علیه السلام است و او همان نوزادی است که وقتی فاطمه علیها السلام میان در و دیوار مورد فشار قرار گرفت سقط و کشته می شود.^۱
جوینی (۷۳۰ هـ) استاد ذهبی (۷۴۸ هـ) نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند: «وانی لما رأیت ... أسقطت جنینها ...»^۲

۱. صدوق، ابوجعفر، معانی الاخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، ص ۲۰۶.
۲. جوینی شافعی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت، موسسه محمودی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴-۳۵.

آن چه بعد از حادثه غم بار به ما رسیده

لحظاتی بعد از شهادت حضرت محسن علیه السلام سند و مدرک شهادت ایشان ضبط شده و به خواست خدا حفظ گردیده و اکنون به دست ما رسیده است. حتی از همان لحظه که حضرت محسن علیه السلام شهید شدند سخنان حضرت زهرا علیه السلام در آن هنگام، اکنون در اختیار ما قرار دارد و روایات متعددی از ائمه اطهار علیهم السلام با سند محکم نقل شده و در بسیاری از کتب اهل تسنن و تشیع آمده است. علاوه بر این ها اعترافات عاملان شهادت حضرت محسن علیه السلام که چنین فاجعه ای را آفریده اند دست به دست و سینه و سینه و ورق به ورق چرخیده تا به ما رسیده است.

خبر شهادت در کلام و وصیت مادر داغ دیده علیه السلام

در هدایة الکبری از قول حضرت زهرا علیه السلام آمده است: «فجمعوا الخطب بیابنا... فأخذَ عُمَرُ اسوطَ من قنفذِ مولی ابی بکر فضرب عضدی.... و رکب الباب برجله فردّه علیّ و انا حاملٌ.... و جائنی المخاض فی: فأسقطتُ محسنًا قتیلاً به غیر جرمٍ...».

«پس بر درب خانه ما هیزم جمع کردند.... سپس عمر شلاق را از

قنفذ غلام ابوبکر گرفت و با آن به بازویم زد و با پایش به درب لگد زد و درب را به روی من عقب راند و باز کرد و من در آن هنگام باردار بودم درد زایمان به سراغم آمد و محسن علیه السلام را که بی گناه کشته شده بود سقط کردم».^۱

مجلسی در بحارالانوار روایتی را از دیلمی در وصیت حضرت زهرا علیها السلام آورده که با روایت قبل، تفاوت اندکی، بیش ندارد و این گونه است که حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «... و ركل الباب برجله فردّه علیّ و انا حاملٌ، فسقطت لوجهی و النار تسعرو تسفع وجهی فضربنى بیده حتى انتشر قرطی من اذنی و جاءنى المخاض فأسقطت محسناً قتيلاً بغير جرم». «عمر با لگد چنان ضربه ای به در خانه زد که در به شدت به سوی من برگشت و به من خورد و من باردار بودم، من به صورت بر زمین افتادم چنان سیلی به صورتم زد که گوشواره ام کنده شد و به کناری افتاد، آن جا درد زایمان مرا فرا گرفت و محسن سقط گشت و بدون هیچ جرمی کشته شد ...».^۲

این جا بود که حضرت زهرا علیها السلام، به فضه فرمودند: «آه فضه مرا بگیر که به خدا قسم جنین داخل شکم کشته شد».^۳ و به خوبی مشخص است که حضرت زهرا علیها السلام به خاطر ضربه ای که به او زدند پی به شهادت محسن علیه السلام بردند و به همین دلیل از فضه که شاهد جنایت

۱. خصیبی، حسین بن حمدانی، الهدایة الکبری، ص ۱۷۸.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۴۹؛ عاملی، سید جعفر مرتضی، رنج های حضرت زهرا علیها السلام، ص ۶۰۸.

۳. عاملی، سید جعفر مرتضی، رنج های حضرت زهرا علیها السلام ص ۶۱۰.



هولناک و شهادت جانسوز حضرت محسن علیه السلام بود کمک خواستند. در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «فاطمه علیها السلام بلند بلند می گریست و می گفت: پدر، و رسول الله دخترت را می زنند... فرزندش را می کشند».^۱

روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام

تاکنون به بعضی از روایاتی که از زبان امامان معصوم علیهم السلام جاری شده بود، اشاره کردیم و هم اکنون می خواهیم به روایت های بیشتری در این باب بپردازیم و سعی کنیم تمام روایات وارده از ائمه علیهم السلام را آورده و برایتان نقل کنیم. البته روایت از تمام ائمه معصوم علیهم السلام موجود نیست، ولی آن چه وجود دارد را حتی الامکان ذکر خواهیم کرد.

ابن عباس دعایی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آورده که در بخشی از آن آمده است: «... شکمی که دریدند و جنینی که سقط کردند و....».^۲ در احتجاج طبرسی آمده که امام حسن علیه السلام فرمودند: «... تو بودی که فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله را زدی تا مجروح شد و بچه اش را سقط کرد...».^۳

در این روایت، امام حسن علیه السلام، عده ای از مهاجمین که عاملان

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹-۱۴.

۲. عاملی کفعمی، نقی الدین، المصباح، ص ۵۵۳؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۶۱؛ کاشانی، فیض، علمی الیقین، قم، بیدار، ۱۰۹۱ هـ ص ۷۰۱.

۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۱۴؛ مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، نجف اشرف، مکتب الحیدریه، ۱۳۹۴ هـ ج ۵، ص ۳۲۱.

شهادت حضرت محسن علیه السلام بوده اند و به نوعی از قاتلان محسوب می شوند را خطاب قرار می دهد و لفظ «تو» را در کلام خود خطاب به مغیره بن شعبه به نمایندگی از دیگر مهاجمان و عاملان جنایت ایراد می دارد. روایتی را ابن قولویه (۳۶۸ هـ) از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیدی و او از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: «قال جبرئیل خطاباً للنبی صلی الله علیه و آله: واما ابنتک فتظلم... و تضرب و هی حامل... و ثم... تطرح ما فی بطنها من الضرب...»

«جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب کرد: و اما دخترت مورد ستم واقع می شود.... در حالی که باردار است او را می زنند... سپس به جهت کوفته شدن، فرزندی را که در شکم دارد فرو می اندازد».^۱

شیخ مفید (۴۱۳ هـ) از قول امام صادق علیه السلام نقل می کند: «... فلقیها عمر فقال: ... فرفسها... فأسقطت محسن علیه السلام»^۲ که اشاره به ملاقات عمر با حضرت زهرا علیه السلام دارد و هنگامی که از کنار حضرت عبور کرد و لگدی به حضرت زد که محسن علیه السلام شهید شد.

روایت محمد بن تلعبیری از امام صادق علیه السلام: «... فاطمه علیه السلام محسن علیه السلام را سقط کرد...».^۳

روایتی نیز از امام رضا علیه السلام نقل شده است که سید بن طاووس

۱. ابن قولویه قمی، ابوالقاسم، کامل الزیارات، ص ۳۳۳؛ بشر، سید عبدالله، جلاء العیون، نجف اشرف، مکتب الحیدریه، ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۱۸۶-۱۸۴؛ بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۳۹۸.

۲. مفید، ابو عبدالله محمد، الاختصاص، ص ۱۸۵.

۳. طبری، محمد جریر رستم، دلائل الامامه، ص ۴۵.

می‌گوید: امام رضا علیه السلام در سجده شکر، دعایی را می‌خواند که چنین بوده است: «اللهم العن الذین بدلاً دینک و غیراً نعمتک ... و قتلاً ابن نبیک ... ای المحسن علیه السلام ...»

«خداوندا، لعن فرما آن دو نفری را که دین تو را دگرگون کردند و نعمتت را تغییر دادند... و پسر پیغمبرت؛ یعنی محسن علیه السلام را کشتند».^۱

اعتراف‌های قاتلان و عاملان فاجعه

ابوعبید قاسم بن سلام (۲۲۴هـ) در کتاب نفیس خود به نام الاموال که مورد اعتماد فقیهان بزرگ مسلمان قرار دارد به طور مستند از عبدالرحمان بن عوف نقل می‌کند که می‌گوید: در بیماری ابوبکر، برای عبادتش وارد خانه او شدم. او پس از گفتگوی زیاد به من گفت: آرزو می‌کنم ای کاش سه چیز را که انجام داده‌ام انجام نداده بودم و همچنین سه چیز را که انجام نداده‌ام انجام می‌دادم و آرزو می‌کنم سه چیز را از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال می‌کردم. اما آن سه چیزی که انجام داده‌ام و آرزو می‌کنم ای کاش انجام نمی‌دادم عبارتند از: ای کاش خانه و حریم فاطمه علیها السلام را کشف نمی‌کردم و آن را به حال خود به وا می‌گذاشتم، هرچند برای جنگ بسته شده بود.^۲

البته ابوعبید در کتاب خود به جای ام الکشف بیت فاطمه علیها السلام و

۱. ابن طاووس، ابوالقاسم، مهج الدعوات، قم، دار ذخائر، ۱۴۱۱هـ ص ۲۵۸-۲۵۷؛ عاملی کفعمی، نقی الدین، المصباح، ص ۵۵۴-۵۵۳.

۲. هروی بغدادی، ابوعبید، الاموال، تحقیق: خلیل محمد هراس، دمشق، دارالفکر، بی‌تا، ص ۱۹۵.

ترکته... می گوید: کذا و کذا و اضافه می کند که من مایل به ذکر آن نیستم. حالا چه از روی تعصب بوده یا نه، خدا می داند و شاید هم جو جامعه آمادگی پذیرش واقعیت را نداشته، و یا آنکه خوف و خفقان اجازه نمی داده، ولی خوشبختانه محققان در پاورقی آن جمله های حذف شده را آورده اند و در کتاب های فراوانی آن جمله، ذکر شده است.^۱ محمد بن جریر (۳۱۰هـ) نیز از ابوبکر نقل کرده است:

«فوددت أن لم اکشف بیت فاطمه علیها السلام عن شی و إن کان واغلقو علی احرب ...».

«دوست می داشتم خانه علی علیه السلام را ترک می کردم، اگرچه او آشکارا با من جنگ می کرد».^۲

شیخ صدوق در معانی الاخبار^۳ و علامه مجلسی در بحار الانوار^۴

۱. بصری، ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۸م، ج ۸، ص ۲۷؛ مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، بیروت، دار اندلس، ۱۳۸۵هـ ج ۲، ص ۳۰۱؛ طبرانی، ابوالقاسم، معجم الکبیر، موصل، مکتبه العلوم والحکمه، ۱۴۰۴هـ ج ۱، ص ۶۲؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق، تحقیق: محمد مطیع، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۲، ج ۱۳، ص ۱۲۲؛ ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاعلام، تحقیق: تدمری، بیروت، دارالکتب عربی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۱۸-۱۱۷؛ صفدی، صلاح الدین، الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۷؛ هیشمی، نورالدین، مجمع الزوائد، تحقیق: حسام الدین قدسی، قاهره، مکتب القدسی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۰۲-۲۰۳؛ متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، بیروت، الرساله، ۱۹۸۹م، ج ۵، ص ۶۳۱.

۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۱۴؛ ابن عبد ربّه اندلسی، عقد الفرید، بیروت، دارالکتاب عربی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۱.

۳. صدوق، ابوجعفر، معانی الاخبار، ص ۲۰۷-۳۰۵.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۴۱-۴۱.



نامه‌ای را که عمر به معاویه نوشته است را آورده‌اند، که عمر در قسمتی از آن به معاویه گفته: ... لگد بردری زدم که فاطمه علیها السلام شکمش را به آن چسبانده بود ... شنیدم که می‌گفت: آه فضا مرا بگیر که جنین داخل شکم کشته شد

و فاضل مقداد سیوری (۸۲۶هـ) در *لوامع الهیه* کلامی را که عمر در زمان مرگش گفته است را نقل می‌کند که: «لِیْتَنی تَرکْتُ بَیتَ فَاطِمَةَ علیها السلام لَمْ أَکْشِفْهُ». «ای کاش من کاری به خانه فاطمه علیها السلام نداشتم و آن را بازرسی نکرده بودم».^۱

نقل خبر شهادت در کلام تسنن

عده‌ای از علمای اهل سنت بر این که حضرت محسن علیه السلام سقط شده و به شهادت رسیده است تصریح کرده‌اند که به اسامی برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- ابواسحاق ابراهیم نظام (ت ۲۳۱) به نقل از شهرستانی در *ملل و نحل* ۲- ابن قتیبه (۲۷۶هـ) در «المعارف» چاپ گذشته و الان به نقل ابن شهر آشوب (۵۸۸هـ) در کتاب «مناقب آل ابی طالب علیهم السلام» ۳- مسعودی عیاشی (۳۲۰هـ) «در تفسیر عیاشی» ۴- مسعودی (۳۴۶هـ) در «اثبات الوصیه» ۵- ابوبکر بن ابی دارم (۳۵۲هـ) در «تذکره الحفاظ» ۶- مطهر بن طاهر مقدسی (۳۵۵هـ) در «العدد و التاریخ» ۷- طاهر اسفراینی تمیمی (۴۲۹هـ) در «الفرق بین الفرق» ۸- عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸هـ) در «ملل و نحل» ۹-

۱. سیوری، فاضل مقداد، اللوامع الالهیه، تبریز، بی‌نا، ۱۳۱۶، ص ۳۰۲.



نسابه حمد بن اسعد بن حسینی (۵۸۸هـ) در «الشجرة المحمدیه و السنیة و الهاشمیة» ۱۰- کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲هـ) در «المطالب السئول» ۱۱- ابن ابی الحدید (۶۵۶هـ) در «شرح نهج البلاغه» ۱۲- حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸هـ) در «کفایه الطالب» ۱۳- ابن منظور (۷۱۱هـ) در «مختصر تاریخ دمشق» ۱۴- حموینی (۷۳۰هـ) در «فرائد السمطین» ۱۵- حافظ جمال الدین مزنی (۷۴۲هـ) در «تهذیب الکمال» ۱۶- صلاح الدین صفدی (۷۶۴هـ) در «الوافی بالوفیات» ۱۷- شمس الدین ذهبی (۷۴۸هـ) در «تاریخ الاسلام» و «میزان الاعتدال» ۱۸- ابراهیم بن عبد الرحمن حنفی طرابلسی (۸۴۱هـ) در «المشجرة» ۱۹- مقریزی (۸۴۵هـ) در «الخطط» ۲۰- ابن صباغ مالکی (۸۵۵هـ) در «الفصول المهمة فی معرفه الائمة علیهم السلام» ۲۱- عمادالدین قرشی (۸۷۲هـ) به نقل از عبد الزهرا مهدی در الهجوم ۲۲- صفدری شافعی (۸۹۴هـ) در «نزهة المجالس» ۲۳- شیخ جمال الدین یوسف مقدسی (۹۰۹هـ) در «الشجرة النبویه فی نسب خیر البریه» ۲۴- نسابه عمید الدین (ق ۱۰) در «المشجر الکشاف» ۲۵- متقی هندی (۹۷۵هـ) در «کنز العمال» ۲۶- سید مرتضی زبیدی (۱۲۰۵هـ) در «تاج العروس» ۲۷- شیخ محمود بن وهیب حنفی قراغولی «جوهره الکلم فی مدح الساده الاعلام» ۲۸- شیخ محمد صبان شافعی (۱۲۰۶هـ) در «اسعاف الراغبین» ۲۹- شیخ حسن حمزوی (۱۳۰۳هـ) در «مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار» ۳۰- محمد بن رفیع از علمای اواخر قرن سیزدهم در



«ریاض الانساب» ۳۱ - عباس محمود مفاد در «فاطمه الزهراء علیها السلام و الفاطمیون» و ... می باشند.^۱

ابوالنضر محمد بن مسعودی عیاشی سمرقندی (۳۲۰ هـ): «فضرب عَمَر و الباب ... فکسره ...»^۲.

مطهر بن طاهر مقدسی (۳۵۵ هـ) می گوید: «و ولدت محسنًا... تزعم الشیعه»^۳.

مقدسی ضمن این که ذکر می کند که محسن علیه السلام سقط شده، ولی دست به انکار از روی غرض ورزی و تعصب کورکورانه می زند و می گوید محسن علیه السلام متولد شد و شیعه اشتباه می پندارد.

عبدالقاهر بن طاهر بغدادی اسفراینی تمامی نیز در کتاب «الفرق بین الفرق» به شهادت حضرت محسن علیه السلام اشاره می کند.^۴

شهرستانی (۵۴۸ هـ) از نظام (۲۳۱ هـ) نقل می کند: «إن عمر بطن فاطمه علیها السلام يوم البيعه حتى الفت الجنين من بطنها ...».

«عمر در روز بیعت بر پهلوی فاطمه علیها السلام چنان ضربه ای زد که باعث شد فرزندش محسن علیه السلام کشته شود».^۵

«محسن علیه السلام بر اثر هل دادن بسیار شدید قنفذ دشمن، سقط شد

۱. ذکر منابع از کتاب محسن بن علی علیه السلام، علی اصغر رضوانی

۲. عیاشی، ابوالنضر، تفسیر العیاشی، بی جا، بی نا، بی تا، ج ۲، ص ۴۶.

۳. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۹۸۸، ج ۵، ص ۲۰.

۴. اسفراینی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، بیروت، درا الآفاق الجدیده، ۱۹۹۷ م، ص ۱۷۰.

۵. شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، ج ۱، ص ۷۵۷؛ صفی زاده، فاروق، مصائب حضرت فاطمه علیها السلام، ص ۳۱۶.



و از میان رفت.^۱

ابن منظور (۷۱۱هـ) در مختصر تاریخ دمشق ابن عساکر (۵۷۱هـ) آورده که: عمر به فاطمه علیها السلام لگد زد و محسن علیه السلام سقط شد.^۲ ذهبی (۷۴۸هـ) در تاریخ اسلام^۳ و سیر اعلام النبلاء^۴ به لگد زدن عمر به حضرت زهرا علیها السلام و سقط شدن حضرت محسن علیه السلام اشاره دارد. و در کتاب میزان الاعتدال در شرح حال «احمد بن السری» می گوید: «رجل یقرأ علیه أن عمر رفس حتی اسقطت بمحسن علیه السلام». «مردی بر او می خواند که عمر فاطمه علیها السلام را لگد زد تا این که محسن سقط شد.»^۵

وی در همین کتاب به سخنی از ابن ابی دارم (۳۵۲هـ) اشاره می کند که: عمر به فاطمه علیها السلام لگد می زد و محسن او سقط شد.^۶ صفدی می گوید: «روزی عمر به شکم فاطمه علیها السلام ضربه ای زد به گونه ای که محسن علیه السلام را سقط نمود»^۷.

مقریزی نیز گفته است: «... عمر دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را زد ...»^۸. ابن حجر عسقلانی (۸۵۲هـ) در لسان المیزان از قول ذهبی

۱. ابن شهر آشوب، ابوجعفر، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۵۸.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۳، ص ۱۲۲.

۳. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، ص ۶۸.

۴. همو، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۷۸.

۵. همو، میزان الاعتدال، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۸۲هـ، ج ۱، ص ۲۸۳.

۶. همان، ص ۱۳۹.

۷. صفدی، صلاح الدین، الوافی الوفیات، ج ۶، ص ۱۷.

۸. مقریزی، تقی الدین، الخطط، بیروت، دار صادر، بی تا، ج ۳، ص ۳۴۶.



نقل می‌کند: «بدون شک عمر چنان لگدی به فاطمه علیها السلام زد که محسن علیه السلام از او سقط شد».^۱

عمادالدین قرشی (۸۷۲ هـ) می‌نویسد:

«... وانما اسقطته حين راعها عمر بن الخطاب ودفع على بطنها الباب».

«... و این که عمر خطاب آن زمان فاطمه علیها السلام را ترساند و درب را بر

روی شکمش هل داد و بچه اش را سقط کرد».^۲

جمال الدین یوسف مقدسی (۹۰۹ هـ) می‌گوید: «بین شیعه مشهور

است که او (عمر) فاطمه علیها السلام را در فشار در گذاشت تا محسن علیه السلام را

سقط کرد».^۳

همچنین ماجرای شهادت حضرت محسن علیه السلام به طور کامل

در کنز العمال متقی هندی (۹۷۵) و در شذرات الذهب ابن عماد

حنبل (۱۰۸۹ هـ) و بسیاری از مورخان و محدثان پیشین و معاصر

آمده که به نظر اینجانب همین اندک سخن تمام عالم را بس است.

۱. عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، تحقیق: دایرة المعارف النظامیه هند، بیروت، موسسه اعلمی، ۱۴۰۶ هـ، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. مهدی، عبدالزهر، المهجوم، بیروت، دار التراث فاطمی، ۱۴۲۱، ص ۳۱۷.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الصلاة بالنصوص والمعجزات، قم، علمیه، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۰.

۴. متقی هندی، علی بن حمام، کنز العمال، ج ۵، ص ۶۳۱.

۵. حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب، تحقیق: محمد ارناووط، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۱.

خبر شهادت از زبان عالمان و متکلمین تشیع

تعدادی از علمای شیعه نیز در کتاب‌های خود موضوع سقط شدن و شهادت حضرت محسن را نقل کرده‌اند. اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- سلیم بن قیس هلالی (۷۵ یا ۷۶ هـ) در «کتاب سلیم» ۲- سید حمیری (۱۷۸ یا ۱۷۹ هـ) در شعر خود، که در کتاب «اعیان الشیعه» آمده ۳- حسین بن حمدان خصیبی (۳۲۶ هـ) در «الهدایة الکبری» ۴- علی بن حسین مسعودی^۱ در «اثبات الوصیه» ۵- شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) در «معانی الاخبار» و «امالی» ۶- عمر بن نسابه (۴۲۵ هـ) در «المجدی» ۷- محمد بن علی فرازی (۴۵۰ هـ) به نقل عبدالزهرامهدی در «الهجوم» ۸- شیخ مفید که گنجی شافعی در «کفایة الطالب» از او نقل می‌کند. ۹- محمد بن جریر بن رستم طبری (۴۶۰ هـ) در «دلائل الامامه» و «نوادر المعجزات» ۱۰- شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) در «الارشاد» و «تلخیص الشافی» ۱۱- شیخ طبرسی (۵۴۸ هـ) در «الاحتجاج» ۱۲- سید بن طاووس (۶۶۹ هـ) در ضمن زیارت‌نامه‌ای در کتاب «الاقبال» ۱۳- علامه حلی (۷۳۶ هـ) در «کشف المراد» و «نهج الحق و کشف الصدق» ۱۴- عمادالدین طبری (ق ۷) در «کامل بهایی» ۱۵- ابو محمد حسن بن ابی الحسن دیلمی (قرن ۸) در «الارشاد القلوب» ۱۶- فاضل مقداد سیوری

۱. علی بن حسین مسعودی را هم در زمره اهل تسنن و هم اهل تشیع ذکر کردم چون هنوز ثابت نشده که به کدام مذهب بوده است، ولی از شواهد بر می‌آید که به احتمال زیاد شیعه بوده است.



(۸۲۶) در «اللوامع الالهية فى المباحث الكلاميه» ۱۷- علی بن یونس عاملی نباطی بیاضی (۸۷۷هـ) در «الصراط المستقیم» ۱۸- حسن بن سلیمان حلی (ق ۹) در «المختصر» ۱۹- کفعمی (۹۰۰هـ) در «المصباح» ۲۰- محقق کرکی (۹۴۰هـ) در «نفحات اللاهوت» ۲۱- شرف الدین حسینی (۹۶۵هـ) در «تاویل الآیات» ۲۲- قاضی نوراً... تستری (۱۰۱۹هـ) در «احقاق الحق» ۲۳- شیخ عبدالنبی ابن سعد جزائری (۱۰۲۱هـ) در «الامامه شیخ جزائری» ۲۴- محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰هـ) در «روضه المتقین» ۲۵- فیض کاشانی (۱۰۹۱هـ) در «علم الیقین» ۲۶- حرعاملی (۱۱۰۴هـ) در «ارجوزه فی تواریخ النبی و الائمه علیهم السلام» و «اثبات الصلاة» ۲۷- محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱هـ) در «مرآة العقول» و «بحار الانوار» ۲۸- سید تاج الدین علی بن احمد حسینی در «التتمة فی تواریخ الائمه علیهم السلام» ۲۹- خواجهوی مازندرانی (۱۱۷۳هـ) در «الرسائل الاعتقادية» ۳۰- شیخ یوسف بحرانی (۱۱۸۶هـ) در «الحدائق الناضرة» و «عوالم العلوم» ۳۱- مقدس اردبیلی در «حديقة الشيعة» ۳۲- محقق اصفهانی در «الانوار القدسية» ۳۳- خوانساری (۱۲۱۳هـ) در «روضات الجنات» ۳۴- سید محمد حسین قزوینی (۱۳۰۰هـ) در «الصوارم المافیه» ۳۵- شیخ عباس قمی (۱۳۵۹هـ) در «البيت الاحزان» ۳۶- شیخ محمد حسن مظفر (۱۳۷۵هـ ق) در کتاب «دلائل الصدق» و بسیاری از علمای دیگر که مجال ذکر آنها نیست.^۱

۱. ذکر منابع از کتاب «محسن بن علی علیه السلام» علی اصغر رضوانی و از کتاب «غنچه یاس» مهدی فاطمی



سلیم بن قیس می گوید: «قنفذ ... و دفعها فکسر ضلعها من جنبها
فَأَلْقَتْ جَنِيناً مِنْ بَطْنِهَا ...».

«قنفذ به دستور عمر ... او (فاطمه علیها السلام) را هل داد و به همین خاطر
استخوان پهلویش شکست و جنینی را از شکم خود سقط کرد».^۱
مسعودی (۳۴۶ هـ) از کتاب الانساب الاشراف بلاذری (۲۷۹ هـ)
^۲ که از اهل تسنن است نقل می کند: «... فهجموا علیه و احرقوا ...
وضغطوا سيدة النساء بالباب حتی أسقطت محسناً ...».

«آنان در هجوم خود به خانه فاطمه علیها السلام، سرور زنان عالم، در را
چنان از پشت فشار دادند که محسن علیه السلام را سقط کرد».^۳
شیخ صدوق هم از ابن عباس نقل می کند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ جَالِساً...
قال: وَاَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ سَلَامُ الِهِ عَلَيْهَا... كَسَرَ جَنْبَهَا وَاسْقَطَتْ جَنِينَهَا...».
«روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله نشسته بودند ... گفت: اما دخترم فاطمه علیها السلام
... پهلویش را می شکنند و باعث می شوند بچه اش سقط گردد».^۴
عمری نسابه (۴۲۵ هـ) می گوید: «وقد روت الشيعة خبر المحسن عليه السلام
والرفسه»

«و شیعه خبر محسن علیه السلام و لگد را روایت کرده اند».^۵

۱. هلالی، سلیم، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۵۹۸.
۲. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: حمید الله قاهره، دارالمعارف، ۱۹۵۹ م، ج ۱، ص ۴۰۴.
۳. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، بصیرتی، بی تا، ص ۱۴۳.
۴. صدوق، ابوجعفر، امالی صدوق، ص ۱۷۶؛ سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ، تهران، اساطیر، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۳۹.
۵. علوی عمری، علی بن محمد، المجدی، بی جا، سید الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۹ هـ، ص ۱۲.



محمد بن علی فرازی (۴۵۰ هـ) در ضمن ذکر صلواتی به حضرت زهرا علیها السلام ایشان را چنین وصف می نماید:

«المقول وَلَدَهَا فَاطِمَةُ علیها السلام، بنت رسول الله صلی الله علیه و آله ...» «و آن که فرزندش کشته شده [یعنی] فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله ...»^۱

محمد بن جریر طبری (۴۶۰ هـ) می گوید: «فلما قبض رسول الله صلی الله علیه و آله و ما لحتها من الرجل أسقطت به ولداً تماماً ...».

«وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله جان سپرد ... و آن بلایی که از ناحیه آن مرد به فاطمه علیها السلام رسید، فرزند کاملی را سقط کرد».^۲

و در جای دیگر می گوید: «قنفذ مولی عمر لکرها... فأسقطت محسناً»^۳. و در این جا ضربه قنفذ را عامل اصلی شهادت حضرت محسن علیه السلام مطرح می کند ولی به نظر می آید در نقل قبلی منظور از آن مرد عمر بوده باشد و در نقل دوم ضربه قنفذ را ادامه جنایت انجام شده و کامل کننده ی جرم بزرگ می داند.

شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) می نویسد: «والمشهور الذی لا خلاف فیه، بین الشیعه أن عمر ضَرَبَ علی بطنها حتی اسقطت ...».

«و خبر مشهور بین شیعه که اختلافی در آن نیست این است که عمر شکم او را زد به گونه ای که او بچه اش را سقط کرد».^۴

۱. مهدی، عبد الزهراء، الهجوم، ص ۲۸۷.

۲. طبری، محمد بن جریر بن رستم، نوادر المعجزات، قم، امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۰ هـ، ص ۹۸.

۳. همو، دلائل الامامه، ص ۱۳۶.

۴. طوسی، ابوجعفر، تلخیص الشافی، تحقیق: سید حسین بحر العلوم، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۳۴۹ هـ ق، ج ۳، ص ۱۵۶.

عمادالدین طبری (قرن ۷) می گوید: «گویند که فاطمه محسن علیه السلام را از شکمش انداخت به سبب آن که عمر به شکم او ضربه زده بود».^۱ علامه حلی نیز در این باره می فرماید: «و ضربت فاطمه علیه السلام فالقت جنیناً اسمه محسن علیه السلام ...».

«و فاطمه علیه السلام کتک خورد و او را زدند لذا جنینش را که نامش محسن علیه السلام بود فرو انداخت».^۲

علی بن یونس عاملی نباطی (۸۷۷ هـ) می گوید: «و اشهر فی الشیعه انه حصر فاطمه علیه السلام حتی اسقطت محسناً علیه السلام»

«در شیعه مشهور است که عمر فاطمه علیه السلام را مورد فشار قرار داد تا این که محسن علیه السلام را سقط نمود».^۳

ابن سعد جزایری (۱۰۲۱ هـ) به نقل از الامامة والسیاسة دینوری آورده است: «فاطمه علیه السلام را زدند و فاطمه علیه السلام در اثر این ضربه فرزندش را سقط کرد».^۴

محمد تقی مجلسی (۱۰۷۱ هـ) می گوید: «... کان من ضرب عمر الباب عل بطنها... و سقط بالضرب غلام کان اسمه محسن علیه السلام».

«... به جهت زدن در، از طرف عمر بر پهلوی حضرت بوده ... و به سبب آن زدن، فرزند (جنین) او سقط شد که اسمش محسن علیه السلام بود».^۵

۱. طبری، عمادالدین، کامل بهایی، قم، مصطفوی، بی تا، ص ۳۰۸.

۲. حلی، حسن بن مطهر، نهج الحق، قم، ص ۲۵۴؛ شافعی، قونجی، شرح التجرید، ص ۳۷۶.

۳. عاملی، زین العابدین، بی تا، الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۱۲.

۴. عاملی، سید جعفر، ۱۳۸۱، ص ۴۶۱.

۵. مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین، مترجم: حاج حسین کوشان پور، تهران، علمیه،



خواجویی مازندرانی (۱۱۷۳هـ): «فاطمه علیها السلام را زدند و فاطمه علیها السلام در اثر این ضربه فرزندش را سقط کرد».^۱

شیخ یوسف بحرانی (۱۱۸۶هـ) نیز در کتاب عوالم العلوم نقل می‌کند که: محسن علیه السلام در اثر ضربه قنقذ به شهادت رسیده است.^۲ محدث قمی (۱۳۵۹هـ) که از معاصرین زمان ماست و کتاب مفاتیح الجنان نیز اثر جاودان و به یادماندنی اوست وی همچنین کتاب دیگری به نام بیت الاخران به یادگار نهاده که در قسمتی از آن چنین بیان می‌کند: «أن قنقذ مولی عمر... بأمره فاسقطت محسنًا»^۳ که سخن ایشان دلالت دارد بر زدن حضرت زهرا علیها السلام به وسیله قنقذ و به دستور عمر که در نهایت سبب سقط حضرت محسن علیه السلام شده است.

بی‌تا، ج ۵، ص ۳۴۲.

۱. خواجویی مازندرانی، محمد اسماعیل، بی‌تا، الرسائل الاعتقادیة، ص ۴۴۴.

۲. بحرانی، یوسف، ۱۳۶۳، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۵۳۹.

۳. قمی، عباس، ۱۴۱۲، بیت الاحزان، ص ۱۶۰.

محل دفن پاره تن دخت نبی ﷺ

از شواهد چنین برمی آید که وقتی مصیبت حضرت محسن ﷺ پیش آمد و داغ غمش، بر دل مادر نشست، بانو بدن مبارک محسن ﷺ را در خانه خود دفن کرد.

استاد فاطمی در کتاب خود می گوید که: بدین سبب او را در خانه دفن کردند که در آن احوال و وقت شوم ممکن نبود که بدن محسن ﷺ را بیرون ببرند و در بقیع دفن کنند.^۱

حاج ملا اسماعیل سبزواری در جامع النورین نقل می کند:
«ثم جاءت فضة بعد ساعة وهي تحمل لفافه، فقال ﷺ لها: ما معك يا فضة؟ قالت: ياسيدي ولدك المحسن الذي أسقط قال: واريه في فناء البيت». «بعد از ساعتی فضة آمد در حالی که چیزی را درون پارچه ای پیچید، و در دست گرفته بود، حضرت فرمود: چه همراه داری؟ عرض کرد: آقای من! فرزندان محسن ﷺ که شهید شده. حضرت فرمودند که: او را در آخر خانه به خاک بسپار.^۲

۱. فاطمی، مهدی، ۱۳۸۶، غنچه یاس، ص ۴۳۷.

۲. سبزواری، اسماعیل، جامع النورین، ص ۲۰۶.



و حسین بن حمدان (۳۳۴هـ) نیز روایتی را شبیه این از امیرالمومنین علیه السلام نقل می‌کند که پس از شهادت حضرت محسن علیه السلام به فضه فرمودند: «فواریه تصعد البیت فانه لاحق جدّه صلی الله علیه و آله» «اورا در انتهای خانه دفن کن که او به جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوست»^۱. و در نهایت می‌توان گفت که حضرت محسن علیه السلام به احتمال زیاد در کنار مادر آرمیده‌اند. البته به تفحصی عمیق‌تر و سخت‌کوشانه‌تر نیاز دارد.

۱. خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۱۱هـ الهدایه الکبری، ص ۴۰۸.

نتیجه

از دانسته‌ها و اندوخته‌های بی‌تأمل و بادآورده و انباشته بر معلومات خود اگر بگذریم و تعصب مذهبی و یک‌سویینی را اگر به کناری برهانیم و کدورت‌ها را اگر از دل‌ها به دور افکنیم و گرد و غبار از شیشه‌های چشمان خود پاک کنیم و در میان تلّ کتاب‌های نوشته شده، پیرامون زندگی امیرالمؤمنین علی و زهرای مرضیه علیهما السلام و شهادت حضرت زهرا علیها السلام، که به پهنای اقیانوسی بی‌کران است، اندکی رجوع کنیم و شواهد را تورق‌وار بررسی نماییم حقیقت نمایان می‌شود. ولی بنده به این سطحی‌نگری‌ها اکتفا نکرده و مدت زمانی در کار علمی، اندوخته‌های مذهبی و عصبیت را کنار نهاده و به تفحص در میان آثار نوشته شده پرداختم و در نتیجه دریافتم که نمی‌شود حتی یک لحظه و یک برگ از تاریخ را پنهان کرد مخصوصاً وقتی آثار، پیرامون قضیه‌ای بی‌نهایت در طول قرون و ادوار مختلف نگاریده شده و در سراسر عالم پخش شده و به هر جویای علم و تاریخ‌دوستی رسیده است.

در طول بررسی‌هایم و آن‌چه که در اختیار شما قرار گرفته می‌توان



این را گفت که وجود شریفی به نام محسن علیه السلام از فرزندان زهرا علیها السلام بوده و سقط شده است. هیچ شکی هم در آن نیست و با بررسی کتاب‌هایی که از اهل تسنن تألیف شده می‌توان ثابت کرد که محسن علیه السلام کودکی ۶ ماهه در رحم مبارک حضرت زهرا علیها السلام بوده است و پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از شهادتشان نام او را محسن علیه السلام نهاده بودند. و این کودک ۶ ماهه، ۹ روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله؛ یعنی ۷ ربیع الاول سال ۱۱ هجری در ماجرای هجوم به خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای گرفتن بیعت از خانواده ایشان، بر اثر ایجاد رعب و وحشت در خانه مولا علیه السلام و ضربه روحی و جسمی به حضرت زهرا علیها السلام در شکم مبارک ایشان کشته شد و سقط گردید. و بنابر دلایلی نمی‌توانستند او را در بقیع دفن کنند و فضا را به دستور امیرالمؤمنین علی علیه السلام در گوشه‌ای از خانه دفن نمود. و این چنین است که می‌گوییم محسن علیه السلام شهید است بدون آن‌که تولد دنیایی و روز ولادت در تاریخ برایش ثبت شده باشد. و به همین دلیل است که باید گفت: اولین و کوچک‌ترین شهید آل طه علیهم السلام و کوچک‌ترین فرزند مولا علی علیه السلام و سرور زنان عالم حضرت فاطمه علیها السلام، و به راستی اولین شهید در راه تشیع و دفاع از حریم ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، حضرت محسن بن علی علیه السلام است.

به ضميمه

خطبه الغدرة

خطبه الغدرة

بعد از واقعه آتش زدن درب خانه و هجوم و هتك حرمت به خانه و در نهایت ضرب و شتم و جرح به صديقه طاهره عليها السلام و در نتیجه شهادت حضرت محسن عليه السلام، آن لعینان و فرومایگان وقتی که مولا را مأمور به صبر یافتند، دستان مبارکش را بسته و برای اخذ بیعت به جبر به طرف مسجد بردند که در آن جا حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام در همان حال خطبه ای را جهت اتمام حجت بیان فرمودند.

از کتاب «صوارم الحاسمه فی تاریخ الزهراء فاطمه عليها السلام»، تألیف آقا فتح الله کمالی استرآبادی (متوفای ۱۳۴۶ ق) نقل شده است که امیرالمؤمنین علی عليه السلام پس از این که آن حضرت را به مسجد بردند تا از او بیعت بگیرند، خطبه ای ایراد فرمود که متن خطبه منتسب به امیرالمؤمنین علی عليه السلام چنین است:

«إِيَّتِهَا الْغَدْرَةُ الْفَجْرَةُ، وَالنَّظْفَةُ الْقَذَرَةُ الْمَذَرَةُ، وَالْبَهِيمَةُ السَّائِمَةُ، نَهَضْتُمْ عَلَى أَقْدَامِكُمْ، وَشَمَرْتُمْ لِلضَّلَالِ عَنْ سَاعِدِكُمْ، تَبْغُونَ بِذَلِكَ التَّفَاقَ، وَ تُحِبُّونَ مُرَاقِبَةَ الْجَهْلِ وَالشَّقَاقِ أَفْظَنْتُمْ أَنَّ سُيُوفَكُمْ مَاضِيَةٌ، وَ نُفُوسَكُمْ وَاعِيَةٌ، أَلَا سَاءَ مَا قَدَّمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ. إِيَّتِهَا الْأَوْقَةُ الْمُتَشَتِّتَةُ بَعْدَ اجْتِمَاعِهَا، وَالْمُلْحِدَةُ بَعْدَ انْتِقَاعِهَا، وَأَنْتُمْ غَيْرُ مُرَاقِبِينَ، وَلَا مِنْ اللَّهِ بِخَائِفِينَ، أَجَلَ اللَّهُ ذَلِكَ أَمْرًا بَرَزْتُهُ ضَمَائِرُكُمْ، وَاصْرَبْتُ عَنْ مُحَضِّهِ خُبْتُ سَرَائِرُكُمْ فَاسْتَبَقُوا أَنْتُمْ الْجَذْلُ بِالْبَاطِلِ فَتَنَدِمُوا، وَنَسْتَبْقَى نَحْنُ الْحَقَّ فَيَهْدِينَا رَبُّنَا



سَوَاءَ السَّبِيلِ، وَ يُنْجِزُ لَنَا مَا وَعَدَنَا عَلَى الصَّبْرِ الْجَمِيلِ وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَامٍ
لِّلْعَبِيدِ. فَدَخَضًا دَخَضًا، وَ شَوْهَةً شَوْهَةً، لِنُفُوسِكُمْ الَّتِي رَغَبْتَ بِدُنْيَا طَالَ
مَا حَذَرَكُمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ عَنْهَا، فَعَلَقْتُمْ بِأَطْرَافِ قَطِيعَتِهَا،
وَ رَجَعْتُمْ مُتَسَالِمِينَ دُونَ جَدِيعَتِهَا، زَهَدَتْ نُفُوسُكُمْ الْأَمَّارَةُ فِي الْآخِرَةِ
الْبَاقِيَةِ، وَ رَغَبَتْ نُفُوسُنَا فِيهَا زَهَدْتُمْ فِيهِ، وَ الْمَوْعِدُ قَرِيبٌ، وَ الرَّبُّ نِعَمَ
الْحَاكِمِ. أَوْ تُضْرَبُ الزَّهْرَاءُ نَهْرًا، وَ يُؤْخَذُ مِنَّا حَقُّنَا قَهْرًا وَ جَبْرًا فَلَا نَصِيرَ
وَ لَا مُجِيرَ، وَ لَا مُسْعِدَ وَ لَا مُنْجِدَ، فَلَيْتَ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ مَاتَ قَبْلَ يَوْمِهِ
فَلَا يَرَى الْكَفْرَةَ الْفَجْرَةَ قَدْ ازْدَحَمُوا عَلَى ظُلْمِ الظَّاهِرَةِ الْبَرَةِ فَتَبَّاتَبَّا وَ سُحْقًا
سُحْقًا، ذَلِكَ أَمْرٌ إِلَى اللَّهِ مَرْجَعُهُ، وَ إِلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ وَ سَلَّمَ
مَدْفَعُهُ، فَقَدْ عَزَّ عَلَى ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنْ يُسَوِّدَ مَتْنُ فَاطِمَةَ ضَرْبًا، وَ قَدْ عُرِفَ
مَقَامُهُ، وَ شُوهِدَتْ آيَاتُهُ، فَلَا يَثُورُ إِلَى عَقِيلَتِهِ، وَ لَا يُصِرُّ دُونَ حَلِيلَتِهِ،
فَالصَّبْرُ أَيْمَنُ وَ أَجْمَلُ، وَ الرِّضَا بِمَا رَضِيَ اللَّهُ بِهِ أَفْضَلُ، لِكَيْلَا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ
وَقَرِهِ، وَ يَظْهَرَ الْبَاطِلُ مِنْ وَكْرِهِ، حَتَّى الْقَى رَبِّي فَأَشْكُو إِلَيْهِ مَا ارْتَكَبْتُمْ مِنْ
غَضَبِكُمْ حَقِّي وَ تَمَاطَلِكُمْ صَدْرِي، وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ،
وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ای شکنندگان عهد و پیمان! و اهل فسق و فجور و گناهان! و
مرتکبین کارهای حرام! و ای متهمین به ربه و آلودگان به عیب و
فساد که مردمان از فساد اخلاق شما دوری کنندگانند! ای اشخاص
خبیث النفسِ نفهم بی تمیزی که مانند حیوانات چراکننده حق را
از باطل تمیز نمی دهید! روی قدم هاتان بلند شده اید! و آستین های
خود را بالا برده اید برای گمراهی تا به آن، آتش نفاق را دامن زنید! و



دوست می دارید مراقب نادانی و مخالفت باشید! آیا گمان کرده اید که شمشیرهای شما تیز و برنده است، و نفس های شما حفظ کننده و گردآورنده است؟ بد چیزی برای خود پیش فرستادید! ای گروهی که پس از گرد آمدن با هم پراکنده خواهید شد و عدول کننده از حق و اهل نزاع و جدال می باشید! نه مراقب حقید، و نه از خدا می ترسید. آری به ذات خدا قسم! آن امری است که ضمیرهای شما آن را بروز داده است از صیحه فزعناک، آن خباثت باطن های شما پیشی می گیرد به ثابت بودن در باطل، پس پشیمان خواهید شد، و ما هم بر حق باقی می مانیم، پروردگار ما را به راه راست راهنمایی می کند، و وفا می کند برای ما آنچه را که وعده داده است ما را از جهت صبر و بردباری پاکیزه ای که کرده و می کنیم، و نیست پروردگار تو ستم کننده و مربندگان را. این کردار شما باطل و ناچیز شدنی است، خدا زشت و قبیح گرداند روهای شما را، و لعنت کند شما را برای آن که نفس های شما میل کرده است به دنیایی که به درازی کشید، زمانی که رسول خدا ﷺ شما را می ترسانید از دوستی و علاقه به آن، و دل بسته اید به جانب آن، و به انواع متاع و لذات آن، و برگشته اید و دست بدست یکدیگر داده اید به دشمنی در مقابل کسی که وادار کرده است نفس خود را بر مشقت عظیمه برای ظفر یافتن به حاجتی که دارد. ترک کرده است نفس های اماره شما آخرت باقی را، و حال آن که نفس های ما رغبت دارد در آنچه که شما ترک کرده اید، وعده گاه ما و روز وعده (یعنی قیامت) نزدیک است و پروردگار خوب حاکمی



است. آیا زهرا علیها السلام زده می شود به زجر؟! و حق ما از ما گرفته می شود به قهر و غلبه و جبر؟! پس هیچ یاری کننده و نجات دهنده ای نیست، و هیچ معین و یاور نیست؟! کاش پسرابی طالب پیش از این روز مرده بود، و نمی دید که کفار و فجّار هجوم بیاورند و ازدحام کنند بر ظلم و ستم کردن در حق فاطمه ای که پاکیزه و نیکوکار است، خدا ایشان را هلاک کند! و ملازم خسران قرار دهد! و دور گرداند آنها را از رحمت خود، این کاری که کردند بازگشت آن به سوی خداست، و دفاع آن با رسول خدا صلی الله علیه و آله است. بسیار دشوار است بر پسرابی طالب که پشت فاطمه علیها السلام از زدن سیاه شود، و حال آن که از پیش، مقام او شناخته شده بود، و (سخت است بر پسرابی طالب که) روزهای عزّت و عظمت او دیده شده بود، و از جا جستن نکند به حمایت عقيله خود، و اصراری نداشته باشد در دفع ضرر از حلیله خود، پس میمنت صبر و بردباری زیادتر و پاکیزه تر است، و خوشنود بودن به آنچه که خدا به آن خشنود است برتر و بهتر است، برای این که حق از ثبات و سکون خود بیرون نرود و بجای بماند، و باطل هم در جای خود ظاهر شود تا وقتی که ملاقات کنم رحمت پروردگار خود را، و به سوی او شکایت کنم از آنچه که شماها مرتکب شدید از غصب کردن شما حق مرا، و عقب انداختن و تعلّل ورزیدن از آنچه در سینه من است، و او بهترین حکم کنندگان، و رحم کننده ترین رحم کنندگان است، و زود باشد که جزا دهد خدا سپاسگزاران را، و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم

- (۱) ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، مترجم: فاروق صفی زاده، بیروت، دارالکتب علمیه، ۱۴۱۸.
- (۲) ابن اثیر، عزالدین، جامع الاصول من احادیث الرسول ﷺ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- (۳) ابن اثیر، عزالدین، الکامل، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۲.
- (۴) ابن جوزی، یوسف بن خز علی، تذکره الخواص، نجف اشرف، مکتب حیدریه، ۱۳۸۳.
- (۵) ابن شهر آشوب، ابوجعفر رشیدالدین، مناقب آل ابی طالب ﷺ، نجف اشرف، مکتب حیدریه، ۱۳۵۶.
- (۶) ابن طاووس، ابوالقاسم، إقبال الاعمال، تهران، دارالکتب علمیه، بی تا.
- (۷) ابن طاووس، ابوالقاسم، مهج الدعوات، قم، دار ذخائر، ۱۴۱۱ هـ.
- (۸) ابن عطیه، مقاتل، المناظرات، تحقیق: صالح وردانی، بیروت، الغدیر، ۱۴۱۹.



(۹) ابن عطیه، مقاتل، مؤتمر علما بغداد، بیروت، دارالارشاد اسلامی، ۱۴۱۵.

(۱۰) ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله، الامامه والسیاسه، تحقیق: علی مشیری، قم، شریف رضی، ۱۴۱۳هـ.

(۱۱) ابن قولویه قمی، ابوالقاسم، کامل الزیارات، نجف اشرف، مرتضویه، ۱۳۵۶.

(۱۲) ابن کثیر، عماد الدین، البدایه والنهایه، بیروت، مکتب المعارف، بی تا.

(۱۳) ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق، تحقیق: محمد مطیع، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۲.

(۱۴) ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه صلی الله علیه و آله، تحقیق: طه عبدالرئوف سعد، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۱.

(۱۵) ابونصر، عمر، فاطمه عليها السلام بنت رسول الله صلی الله علیه و آله، بیروت، مکتب ابوالنصر، بی تا.

(۱۶) اسفراینی تممی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، بیروت، دارالآفاق الجدیده، ج ۲، ۱۹۹۷م.

(۱۷) بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم، قم، موسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۶۳هـ.

(۱۸) بدخشانی حارثی، حلفظ بن محمد، نزل الابرار، تهران، بی نا، ۱۴۰۳هـ.

(۱۹) بصری زهری، ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دارصادر،

۱۹۶۸ م.

(۲۰) بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: محمد حمید الله، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۵۹ م.

(۲۱) بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، دارالکتب، ۱۴۰۵.

(۲۲) جوهری، ابوبکر، السقیفه و الفدک، محقق: محمد هادی امین، تهران، نینوا الحدیثه، بی تا.

(۲۳) جوینی شافعی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت، موسسه محمودی، بی تا.

(۲۴) حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، قم، علمیه، بی تا.

(۲۵) حسینی بحرانی، سید هاشم، تفسیر برهان، تهران، دارالکتب علمیه، ۱۳۹۳ هـ.

(۲۶) حسینی عاملی، سید تاج الدین، التمه فی تواریخ الائمة علیهم السلام، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۲.

(۲۷) حلی، حسن بن مطهر، مستجدات عن کتاب الارشاد، قم، بصیرتی، بی تا.

(۲۸) حلی، حسن بن مطهر، کشف المراد، تحقیق: حسن حسن زاده آملی، قم، نشر اسلامی جامعه مدرسین، چ ۱۳، ۱۴۲۲.

(۲۹) حلی، حسن بن مطهر، نهج الحق، قم، دارالهجره، بی تا.

(۳۰) حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب، تحقیق: محمد ارناووط، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶.



(۳۱) خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۱.

(۳۲) خواجهوی مازندرانی، محمد اسماعیل، طریق الرشاد، قم، دارالکتب اسلامی، بی تا.

(۳۳) خواجهوی مازندرانی، الرسائل الاعتقادیه، قم، دارالکتب اسلامی، بی تا.

(۳۴) ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب ارنوط، بیروت، مؤسسه الرساله، چ ۹، ۱۴۱۳.

(۳۵) ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، تحقیق: تدمری، بیروت، دارالکتب عربی، ۱۴۰۷.

(۳۶) ذهبی، شمس الدین، میزان الاعتدال، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۸۲.

(۳۷) ابن عبد ربہ اندلسی، عقد الفرید، بیروت، دارالکتب عربی، ۱۴۰۴.

(۳۸) رضوانی، علی اصغر، محسن بن علی عليه السلام، قم، دلیل ما، تابستان ۱۳۸۹.

(۳۹) رحمانی همدانی، احمد، فاطمه عليها السلام بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله، تهران، بدر، ۱۴۱۰ هـ.

(۴۰) زبیدی، محمد بن مرتضی، تاج العروس فی جواهر القاموس، قاهره، الخیریه، ۱۳۰۶ هـ.

(۴۱) سبزه واری، اسماعیل بن مولی، جامع النورین، تهران، بی نا، بی تا.

- (۴۲) سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ، تهران، اساطیر، ۱۳۸۹.
- (۴۳) هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، محقق: محمد باقر انصاری، قم، الهادی، ۱۴۱۵.
- (۴۴) سیوری، فاضل مقداد، اللوامع الالهیه، تبریز، بی نا، ۱۳۱۶ هـ
- (۴۵) شافعی، کمال الدین، مطالب السئول فی مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، بی جا، بی نا، بی تا.
- (۴۶) شبر، سید عبدالله، جلاء العیون، نجف اشرف، مکتب حیدریه، ۱۳۹۴.
- (۴۷) شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق: محمد سید کیدانی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۴.
- (۴۸) صدوق، ابوجعفر، خصال، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۳ هـ
- (۴۹) صدوق، ابوجعفر، علل الشرایع، نجف اشرف، مکتب حیدریه، ۱۳۸۶.
- (۵۰) صدوق، ابوجعفر، معانی الاخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
- (۵۱) صدوق، ابوجعفر، امالی، بیروت، موسسه اعلمی، ۱۴۰۰ هـ
- (۵۲) صفدی، صلاح الدین، الوافی بالوفیات، تحقیق: احمد ارناووط، ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ هـ
- (۵۳) صفی زاده، فاروق، مصائب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، تهران، پازینه، ۱۳۸۹.
- (۵۴) طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت، دارالکتب علمیه،



۱۴۰۷.

(۵۵) طبری، محمد بن جریر بن رستم، ذخائر العقبی، قاهره، مکتب القدسی، ۱۳۵۶.

(۵۶) طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، نجف اشرف، مکتب الحیدریه، ۱۳۸۳ هـ

(۵۷) طبری، محمد بن جریر بن رستم، نوادر المعجزات، قم، امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۰.

(۵۸) طبرانی، ابوالقاسم، معجم الکبیر، موصل، مکتب العلوم و الحکمه، ۱۴۰۴.

(۵۹) طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نجف اشرف، دارالنعمان، ۱۳۸۶.

(۶۰) طبری، عماد، کامل بهایی، قم، مصطفوی، بی تا.

(۶۱) طوسی، ابوجعفر، تلخیص الشافی، تحقیق: سید حسین بحر العلوم، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۳۴۹ هـ

(۶۲) عاملی، سید جعفر مرتضی، رنج های حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه: محمد سپهری، قم، تهذیب، چ ۲، بهار ۸۱.

(۶۳) عاملی نباطی، زین العابدین، الصراط المستقیم، تحقیق: محمد باقر محمودی: [نجف اشرف]، مکتب مرتضویه، بی تا.

(۶۴) عاملی کفعمی، تقی الدین، المصباح، قم، رضی، بی تا.

(۶۵) عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، تحقیق: دایره المعارف النظامیه هند، بیروت، موسسه اعلمی، چ ۳، ۱۴۰۶ هـ

- (۶۶) عطاردی، عزیزالله، مسند فاطمه عليها السلام، تهران، عطارد، ۱۴۱۲هـ
- (۶۷) علوی عمری، علی بن محمد، المجدی، بی جا، سیدالشهداء، ۱۴۰۹هـ
- (۶۸) عیاشی، ابوالنضر، تفسیر العیاشی، بی جا، بی نا، بی تا.
- (۶۹) فاطمی، مهدی، غنچه یاس، مشهد، مهدی فاطمی، چ ۲، ۱۳۸۶.
- (۷۰) قمی، ابوالحسن، تفسیر قمی، بیروت، بی نا، ۱۳۸۷.
- (۷۱) قمی، عباس، منتهی الآمال، قم، وحدت بخش، چ ۳، تابستان ۱۳۸۶.
- (۷۲) قمی، عباس، بیت الاحزان، قم، دارالحکمه، ۱۴۱۲.
- (۷۳) قوشجی، علاءالدین، شرح التجرید، [قم]، حجریه، ۱۳۰۷هـ
- (۷۴) کاشانی، فیض، علم الیقین، قم، بیدار، ۱۰۹۱.
- (۷۵) کحلایی، محمد بن اسماعیل، سبل السلام، قاهره، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابي الحلبي و اولاده به مصر، چ ۴، ۱۳۷۹.
- (۷۶) کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۸هـ
- (۷۷) کمالی استرآبادی، فتح الله، «صوارم الحاسمه في تاريخ الزهراء فاطمه عليها السلام»، (۷۸) لباف، علی، دانش نامه حضرت زهرا عليها السلام، تهران، منیر، ۱۳۸۸.
- (۷۹) لباف، علی، مصائب فاطمی، تهران، منیر، ۱۳۸۹.
- (۸۰) متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، موسسه



الرساله، ۱۹۸۹م.

(۸۱) مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین، مترجم: حاج حسین کوشان پور، تهران، علمیه، بی تا.

(۸۲) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳.

(۸۳) مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، نجف اشرف، مکتب الحیدریه، ۱۳۹۴.

(۸۴) مروجی طبسی، محمد جواد، دردانه دلدادہ، چ ۲، ترجمہ: علیرضا کاوند، قم، تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹.

(۸۵) مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، بیروت، دار اندلس، ۱۳۸۵ھ

(۸۶) مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیہ، قم، بصیرتی، بی تا.
(۸۷) مفید، ابو عبد اللہ، محمد، الارشاد، بیروت، موسسه آل البيت ﷺ، ۱۴۱۶ھ

(۸۸) مفید، ابو عبد اللہ، محمد، الاختصاص، قم، انتشارات اسلامی، بی تا.

(۸۹) مفید، ابو عبد اللہ، محمد، الجمل، نجف اشرف، مکتب الحیدریه، ۱۳۸۱ھ

(۹۰) مفید، ابو عبد اللہ، محمد، امالی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ھ

(۹۱) مقریزی، تقی الدین، الخطط، بیروت، دارصادر، بی تا.

(۹۲) مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۹۸۸م.

- (۹۳) مهدی، عبدالزهراء، الهجوم، بيروت، دارالتراث فاطمی، ۱۴۲۱.
- (۹۴) ملطی شافعی عسقلانی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبيه والرد على اهل الاهواء والبدع، تحقيق: محمد زاهد کوثری، قاهره، مكتبة الازهریه للتراث، بی تا.
- (۹۵) نمازی، علی، مستدرک سفینه البحار، محقق: حسن بن علی نمازی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۹.
- (۹۶) هروی بغدادی، ابو عبید، الاموال، تحقيق: خليل محمد هراس، دمشق، دارالفکر، بی تا.
- (۹۷) هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد، تحقيق: حسام الدین قدسی، قاهره، مكتب القدسی، ۱۴۱۴هـ.
- (۹۸) یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، بيروت، دارصادر، بی تا.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار:	۵
مقدمه:	۷
حضرت محسن <small>علیه السلام</small> هویتی کتمان شده	۹
محسن فرزند سید الاوصیاء و سیده النساء <small>علیهما السلام</small>	۱۰
اثبات این‌که محسن <small>علیه السلام</small> فرزند علی <small>علیه السلام</small> است در تورات	۱۵
اثبات وجود محسن <small>علیه السلام</small> در آثار و کلام تسنن	۱۶
اثبات وجود حضرت محسن <small>علیه السلام</small> در کلام و روایات شیعه	۱۸
طریقه‌ی نام‌گذاری غنچه پرپر شده یاس	۱۹
تولد حضرت محسن <small>علیه السلام</small> ، تولدی تلخ	۲۱
شهادت اولین و کوچک‌ترین شهید آل رسول <small>صلی الله علیه و آله</small>	۲۳
طریقه‌ی شهادت	۲۳
مکان شهادت مظلومانه	۲۵



روز شهادت غریبانه	۲۷
شاهدان فاجعه ای بزرگ تر از عاشورا	۳۰
مهاجمین به خانه عترت <small>علیهم السلام</small>	۳۱
قاتلان محسن بن علی <small>علیه السلام</small>	۳۳
اهل خانه و یاران اندک ولی خدا <small>علیه السلام</small>	۳۶
اخبار شهادت محسن مظلوم <small>علیه السلام</small> قبل از واقعه دردناک	۳۹
اخبار شهادت حضرت محسن <small>علیه السلام</small> در معراج <small>صلی الله علیه و آله</small>	۴۰
اخبار نبی اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> پیرامون شهادت	۴۰
آن چه بعد از حادثه غم بار به ما رسیده	۴۲
خبر شهادت در کلام و وصیت مادر داغ دیده <small>علیه السلام</small>	۴۲
روایات وارده از ائمه معصومین <small>علیهم السلام</small>	۴۴
اعتراف های قاتلان و عاملان فاجعه	۴۶
نقل خبر شهادت در کلام تسنن	۴۸
خبر شهادت از زبان عالمان و متکلمین تشیع	۵۳
محل دفن پاره تن دخت نبی <small>علیه السلام</small>	۵۹
نتیجه	۶۱
خطبه الغدرة	۶۳
فهرست منابع و مآخذ	۶۹